داخل شدند. مادامی که قوانین کاملی برای استخدام مستشاران نوشته نشده باشد بایستی حدود اختیارات آنها بتصویب مجلس برسد باین ملاحظه بنده عقیده دارم آنجا که نوشته می‌شود سمت استخدام اضافه شود (درحدود اختیارات آنها) چون اگر ما یك حدودی در خارج معین کرده بودیم وقتی سمتشان رامعین می کردیم میدانستیم که باید همان اختیارات را داشته باشند ولی حالا که حدودی معین نکرده ایم بنده معتقدم که حدود اختیارات آنها نیز دراین قانون معین شود.

رئیس- آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده راجع باین مسئله عرضی ندارم فقط راجع بآنچه که آقای حائری زاده فرمودند در خصوص کنتراتی که از طرف آقای وحیدالملك بدون اسم پیشنهادشده بود کمسیون خارجه نظریه سابقهٔ که درمجلس هست وباید اسم آن شخص را نوشته باشند در ذیل آن پیشنهاد نوشت چون اسم ندارد مراجعه دهند بعد ازآنکه اسم پیدا کردبکمسیون مراجعه نمایند وچون بکمسیون نیامده‌است نباید فعلا مطرح شود واین ترتیب همیشه خواهدبود زیرامستخدم بدون اسم مصداق ندارد.

رئیس- آقای محمد هاشم میرزا.

(اجازه)

محمدهاشم میرزا - بنده تعجب می کنم فرضاً چیزی را که آقایان میفرمایند بدیهی است وسابقه هم دارد معهذا علت این که اشکال می‌فرمایند این جمله راجزء قانون نکنند چه‌چیز است؟ درصورتیکه همینطور که آقا می‌فرمایند اگر اسم را بدانیم روابط ماباستخدمین خارجی زیادتر خواهد بود وممکن است از خدمات آنها اطلاعاتی تحصیل کنیم باز می‌فرمایند در کمسیون خارجه این سابقه هست بنده نمیدانم علت اینکه اشکال می کنند چیست؟ وجهت اینکه مقصود آقای حائری‌زاده راروشن نمی کنند چه چیز است؟

مخبر — بنده مخالف نیستم اسم مستخدم در کنترات نوشته شود اما درقانون ذکر کردن که اسم مستخدم نیز باید ذکر شود این یك چیز زائدی است آقای حائری زاده می‌فرمایند همانطور که سمت مستخدم و مدت استخدام و ملیت مستخدم قید شده است خوب است اسم مستخدم هم ذکرشود واین معنی ندارد که سمت مستخدم حقوق سالیانهٔ مستخدم ومدت استخدام او را معین کنیددرصورتیکه اسم مستخدم را ندانیم ورأی بیك چیز مبهمی بدهیم ویك امر لغوزائدی را نمی‌شود جزء قانون کرد

رئیس- آقای مساوات

(اجازه)

مساوات - بنده نظریاتی را که آقای دولت آبادی فرمودند که حدود اختیارات را معین کنند لازم نمی دانم زیرا درماده دوم شرط شده که این مستخدمی که این سمت رادارد نباید ازقوانین موضوعه مملکتی تخلف کند ونبایدداخل درسیاسیات بشود ونبایدازاطاعت امررئیس خود خارج شود دیگر نمی دانم چه اختیاراتی باقی می‌ماند بنابر این بنده ماده دوم را کافی نمی‌دانم.

رئیس- مذاکرات آقایان راکافی می دانند؟

(جمعی گفتند کافی است)

محمدهاشم میرزا- اجازه بفرمائید بنده توضیح عرض کنم.

رئیس - توضیح توضیح دیگری می‌آورد.

محمد هاشم میرزا — بنده چه کنم.

رئیس- پیشنهادی از طرف آقای حائری زاده رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم علاوه بر چهار فقره ماده اول اسم مستخدم به عنوان فقره پنجم اضافه شود.

حائری زاده

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری‌زاده - بنده نمی‌فهمم علت سوء تعبیر کردن آقای مخبر چیست؟ من نمی گویم برای مستخدم یك اسمی وضع کنیم یا این که مجلس رأی بدهد که اسم مستخدم مورباشد بنده معتقدم دولت باید لائحه را که بمجلس تقدیم می کند اسم آن مستخدم را نیز ذکر کند ما برای آسمان قانون وضع نمی کنیم برای مملکت ایران و این آقایان وزراء قانون وضع می کنیم ما وزیری داریم که پیشنهادمیکند یکنفر بلژیکی برای فلان اداره لازم است بدون اینکه اسم اورا تعیین کند ووقتیکه یکنفر وکیل بوزیر بگوید چرا اسم مستخدم را ننوشتی که ما او را بشناسیم جواب می‌دهد قانونی که شما وضع کرده‌اید گفته است که ملیت مستخدم را معلوم کنیدومعلوم است که بلژیکی است ودرسال فلان مبلغ حقوق میگیرد وملتزمش هم کرده‌اند که درسیاست دخالت نکند دیگر چه اعتراض می‌توانید بوزیر بکنید حضرت والاشاهزاده سلیمان میرزا می‌فرمایند این مطلب سابقه دارد و ما رد کرده ایم ولی بنده عرض می کنم قانون سابقه را ازبین می برد ما باید برای مملکت قانون بنویسیم وقتی که یکنفروزیر یکنفرمستخدمی را بی‌اسم پیشنهاد می کند ما هم باید دروقت قانون گذاری وزراء را مکلف سازیم که هرکس را که برای استخدام کنترات می کنند اسم اورا ذکر کنند که ما از احوال او مطلع باشیم.

رئیس — آقای مساوات جزء کمیسیون هستید؟

مساوات- بلی.

رئیس - بفرمائید.

مساوات- بنده تعجب می کنم چرا این اسم آنقدر اهمیت پیدا کرده است که ما باید آنقدر صحبت بداریم اگر دولت بفهمد چه می کند وقتی که یك کنترات را می آورد نمی گوید شما بیك مفهوم کلی رأی بدهید می آیدمی گوید یکنفر بلژیکی را که فلان اسم دارد شما باید کنترات او رأی بدهید. اسم یك چیز اساسی نیست که بشود داخل در عداد این چهار اصل که مدت استخدام وملیت وسمت وحقوق است قرارداد اینها چهاراصل اصیل هستندسایر چیزها ازمسائل فرعیه است وبالفرض اینکه پیشنهاد گفته یکنفر بلژیکی بنده آنوقت می گویم بلژیکی نیست هلندی است لابد باید اسمش را بگوئید تاهمه بشناسیم حالا شما متوسل می‌شوید بیك سابقهٔ که اینقدر اهمیت نباید داد.

رئیس — رأی می گیریم بپیشنهاد آقای حائری‌زاده

حائری‌زاده - وقتی که آقای مخبر قبول نمی کنند من پس میگیرم

رئیس - آقایانی که ماده اول را تصویب می کنندقیام فرمایند

(اکثرقیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده دوم قرائت می‌شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم — پس ازتصویب فقرات مزبوره درمادهٔ اول باید شرایط را دولت تعیین و کنترات را امضاء نماید ودرهر کنترات باید دولت بموجب ماده صریحی قید نماید که مداخله درامورسیاسی وتخلف ازقوانین مملکتی ونظامات داخلی اداری موجب نقض کنترات بدون هیچگونه حق برای مستخدم متخلف خواهد بود

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس — آقایانی که ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. جلسه راختم می کنیم جلسه آتیه فردا دوبغروب دستور لایحه نفط شمال آقای محمد ولی میرزا

(اجازه)

محمدولی میرزا- بنده استدعا دارم که فردا لایحه راجع بمساعده باهالی ارومیه جزودستور بشود وبیش ازاین معطل نکنند و تقاضا می کنم آقایان نمایندگان موافقت بفرمایند که این لایحه جزو دستور بشود.

رئیس - دراین باب مخالفی نیست

(گفتند خیر)

رئیس- جزودستورمی‌شود.

(مجلس سه ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس- **مؤتمن‌الملك**

جلسه ۱۶۹

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست وچهارم عقرب ۱۳۰۱ مطابق بیست وششم ربیع‌الاول ۱۳۴۱ مجلس یکساعت وربع قبل ازغروب بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

صورت مجلس یوم چهارشنبه بیست سوم عقرب را آقای امیر ناصر قرائت نمودند.

رئیس — صورت جلسه ایراد ندارد؟

آقای محقق‌العلماء

(اجازه)

محقق‌العلماء — بنده کتباً از ریاست اجازه خواسته بودم و درصورت مجلس بنده را غایب بی‌اجازه نوشته‌اند.

رئیس — رئیس کمسیون مرابط چه جواب می‌دهد.

آقا سید یعقوب — اجازه نامه‌ایشان به کمسیون نرسیده است.

محقق‌العلماء - توسط آقای امین الشریعه فرستادم.

امین‌الشریعه — اجازه ایشان نزد بنده بود فراموش کردم به کمیسیون بدهم وحاضراست.

(آقای مستشارالسلطنه لایحه اعانه ارومیه را بشرح ذیل قرائت نمودند)

لایحه پیشنهادی دولت نمره ۱۷۱۲ راجع بخرابی صفحات ارومیه وسلماس وسلدوزوانزاب ویك قسمت از قراء خوی را کمیسیون بودجه تحت مطالعه ودقت آورده مواد سه گانه ذیل را تصدیق برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم مینمایند:

ماده ۱ - مبلغ پانصد هزار تومان بدولت اعتبار داده می‌شود که بترتیب مقتضی بدانند بطور قرض بمالکین واهالی غارت‌زده ارومیه وسلماس وسلدوز وانزاب ویك قسمت ازقراء خوی که تا به‌آبادی املاك خود نباشند پرداخته شود که ازتاریخ اول میزان ۱۳۰۳ درظرف دوسال بچهارقسط بدولت مسترد گردد.

ماده ۲ — معادل چهارهزار خروار غله بزارعین ودهاقین نقاط مذکوره فوق مستقیماً ویا بواسطه مالکین برای بذر معیشت مجاناً وبلاعوض داده‌شود باستثنای اشخاصی که قادر بر آبادی املاك خود هستند.

ماده ۳ - کلیه مالیاتهای صفحات ارومیه وسلماس وسلدوز وانزاب

یك قسمت ازقراء خوی ازاین تاریخ تاسه سال تخفیف داده شده ومطالبه نخواهد گردید.

ماده ٤ - وزارتین داخله ومالیه مأمور اجرای مواد فوق هستند.

رئیس — بدواً باید باید فهمید که یك شورمی‌شود یادوشور آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا — بنده باید اول توضیح بدهم اینکه می گویم مخالف هستم مقصود چیست؟

زیرا اول کسی که در خصوص اهالی ارومیه پیشنهاد کرد که بآنها رعایت ومساعدت بشود وفکری برای اهالی فلك زده آنجا بشود بنده بودم که درضمن اظهار تشکر از فتح قشون پیشنهادی عرض کردم و سایر رفقا هم با بنده موافقت کردند.

اما امروز با این لایحه که نوشته شده ازاین نقطه نظر که حالا بعرض میرسانم مخالف هستم.

درمملکت ما این عادت جاری است و همیشه دیده شده است ومثالهایش هم فروان است که یك اشخاصی بنام خوب ودرخشان یك اعتباراتی را بدست می گیرند بعد آن اعتبارات را باشخاصی که مستحق واقعی او هستند نمی‌دهند و بمیل خود بیك مصارفی میرسانند.

از برای اینکه فی الواقع اهالی بیچاره ارومیه بتوانند خودشان را اداره کنند و از این سختی و فلاکت خلاص شود بعقیده بنده این ترتیب کافی نیست که ما این جا از راه حس مساعدت بهموطنان خودمان با یك قیام و قعود یا باورقه سفید رای بدهیم که پانصد هزار تومان پول وچهار هزار خروار غله اعتبار بدولت بدهیم زیرا طبیعی است این ها وغله ها بهتر از ترتیب وزارت مالیه این مملکت اداره نخواهد شد آیا ممکن است امروز بتوانید بگوئید تمام این مالیه که در مملکت ما وصول می‌شود

آقایان ازروی عدل و انصاف بمصرف واقعی خودش میرساند

خیر اعضاء معارف و نظمیه و عدلیه و غیره ازنگرفتن حقوق و قریب بهلاکت هستند.

در صورتی که حوالهٔ بیست و چهار هزار تومانی بمیرزا قاسم خان داده میشود وهمچنین سایر حوالجات غیر مشروع که هرروز تندتند ببانك میرود پرداخته میشود وهیچ حسابی هم در کار نیست. هر چند این حرف های من بی‌فایده است زیرا اساس اینطور شده است لکن من باید به بوظیفه خود عمل کنم وبگویم آنچه که در این مملکت نیست حساب بیت‌المال ومالیه مملکت است آنچه که در اورعایت انصاف وعدل واستحقاق نمی شود وجوهی است که ازمردم میگیرند وبمصرف واقعی خودش نمیرسانند وآنطوری که باید وشاید بخیر مملکت صرف نمی‌شود و اسراف وتبذیر وهمه قسم ملاحظات در او اعمال میشود بنا براین بنده بخودم حق میدهم باوجود اینکه اساساً بااین پیشنهاد کاملا موافقم ودرشمار اشخاص اولیه هستم که این پیشنهاد را کردم ولی با این پیشنهادی که دولت کرده وراپورت آن از کمسیون بمجلس داده شده شخص بنده نسبت بتقسیم کردن این پول مخالفم. ویکی ازعللی که بنده بدولت حاضره اعتماد ندارم همین مسئله است وهرگز به یك چنین اداره هرج ومرج نمیتوانم رأی اعتماد بدهم که این وجوه را تقسیم کند و خودرا نزد خدا وخلق مسئول کنم که بنام اعانه باهالی ارومیه پانصدهزار تومان نقد وچهار هزار خروار غله بدهند. البته پول دادن خیلی خوب است وهر کس اینجا اظهار مخالفت کند شاید باترتیبی که اخیراً دراین مملکت معمول شده است اورا هو کنند که فلان کس با اعانه دادن به اهالی ارومیه مخالفت کرد ونگذاشت که بفقرا وضعفا یك کمکی بشود. خیر فلانکس کاملا با این نظر موافق است ولی علت مخالفتش یاعلت مخالفت سایر آقایانی که با این لایحه مخالفند درطرز تقسیم این وجه است والا دررسیدن این وجه باشخاص فقیر وبی‌بضاعت کاملا موافقند. فقط با ترتیب اجرایش مخالفند. والا دررسیدن پول به اشخاص فقیر موافق هستند. مکرر دراین مجلس مخصوصاً درمطالب بودجهٔ هی اعتبار هی اعتبار هی رأی داده‌شد بدون اینکه بدانیم از چه محل پرداخته می‌شود. بعداز این که این اعتبار ها را نگاه کردیم دیدیم پرداخته نشده است یعنی آنهائی را که در نظر دارند میرسانند وآن هائی را که در نظر ندارند نمیرسانند وترتیب تقسیم اموال دولت هم معلوم است وهمه میدانند بنا براین بنده تاترتیب تقسیم این وجه وغله را ندانم چطور می‌توانم اعتماد کنم که این پول بمن له‌الحق میرسد. و با اساسی که در این مملکت در موضوع تقسیم است محتاج به تذکار نیست در همین مرکز آن اشخاصی که ده تومان یا پنج تومان حقوق وشهریه دارند چون واسطه ووسیله ندارند باید از صبح تا شام درب وزارت مالیه بایستند عاقبت هم این جزئی پول بآنها داده نمی‌شود اما آنهائی که ۲۰ هزار و ۳۰ هزار تومان من غیرحق شهریه دارند و معلوم نیست بچه جهت داده می‌شود همینقدر که بستگی بمقامات عالیه دارند حوالجاتشان فوراً از انقد وجوه پرداخته می‌شود با این ترتیبی که من درمرکز مملکت می‌بینم که دادرس برای فقرا وضعفا نیست بخودم حق می‌دهم که دراین موقع صدای خودرا بلند کنم وبگویم که این مطلب اساسش بسیار خوب است واولین چیزی که ما می‌توانیم بگوئیم مملکت بواسطه آن اداره میشود این است وخیلی هم لازم است بیك اشخاصی که در تحت فشار متجاسرین ویاغی‌های مملکت وغارتگرانی که این مملکت را خراب کرده اند و سوزانده اند و مثل دورهٔ چنگیزی ظلم وتعدی را شعار خود کرده‌اند وهزاران اشخاص را فقیر وبی‌خانمان نموده وخانهای آنها را سوزانده اند باین فقرا و ضعفای ستمدیده باید مساعدت کرد اما نه بحرف چنانچه دیروز عرض کردم درصد گفته چون نیم کردار نیست

بنده مادامی که دوسه ماده در اینجا مصرح نباشد که ترتیب پرداخت این نقد و جنس چطور خواهد بود صاف وساده عرض می کنم که این پول یك محلی می‌شود برای صاحبان ملك آذربایجان و صرف منافع متمولین وملاکین آذربایجان می‌شود وابداً بفقرا و ضعفای بیچاره چیزی نمیرسد یك اشخاصی که در آذربایجان املاك زیاد دارند بهروسیله هست مأمور تقسیم را از بستگان خودشان معین می کنند و اگر بنا شد بدهند برعایا وبستگان خودشان میدهند و اگر قدری سوء ظن بالا تر برود بین اشخاصی که دورهٔ پنجم آقایان را انتخاب می کنند تقسیم خواهد شد وباین بدبختیها واقعی ارومیه وخوی وغیره نخواهد رسید شاهد این ادعا اعانه خود ارومیه است اعانه ارومیه چه شد؟ آیا در این مملکت که باسم اعانه پولهائی گرفتند بیك بیچاره ارومیه دادند؟ آیا یکشاهی از این وجه اعانه بمصرف اهالی ارومیه رسید؟ خیر. هر بلا ومقدراتی که برای اعانه ارومیه در این مملکت دیدیم که مبلغش هم نسبت باین پانصد هزار تومان خیلی کمتر بود نسبت باین هم دیده خواهد شد بنده مثل روز روشن می‌بینم تا ترتیب تقسیم این وجه معین نشود همان بلائی که سر اعانه ارومیه آمد سر این پول وجنس هم خواهد آمد وبدون شك پولی از کیسه این مملکت فقیر گرفته خواهد شد ویکشاهی بآن بدبختهای فلکزده نمی رسد وقتی هم که حساب را بخواهید خیلی آسان است زیرا مهرعلی وحسین وحسن و تقی خیلی فراوان است ومی گویند داده شده وقبض رسید هم پیدا می‌شود اما بآن بدبخت یکشاهی نرسیده است این کار چیز تازهٔ نیست همه کارهایمان اینطور است مثلا وقتی که محصول یك قریه یا یك آبادی را سن می‌زند همینکه گفتگوی تخفیف شد ارباب های قوی بعنوان اینکه بفلان رعیت بدبخت فلکزده صدمه وارد آمده ازبرای خودشان تخفیف می گیرند و برعایا چیزی نمیرسد واگر بخواهیم مثال بزنیم ازصبح تا غروب هم مثال بزنیم باز زیاد تراست وهر کسی دراین مملکت هست میبیند که رعایت انصاف درتقسیم اموال دولت نمی‌شود

برای اثبات این قضیه رفتن بطرف وزارت مالیه و نگاه کردن بصندوق مالیه کافی است شما ببینید عوض اینکه پول صندوق مالیه از روی حساب تقسیم شود رئیس مالیه یا رئیس صندوق درخانه خودش نشسته است وهیچکس را هم دسترسی بآنجا نیست وپولهارا درخانه خودش بهمان ترتیبی که اول عرض کردم وهمه هم می‌دانند تقسیم می کنند این است علت مخالفت بنده با این لایحه واین است علت عدم اعتماد من نسبت باین ترتیب اداره وعرض کردم که بنده در اساس اینکار موافق هستم که این وجه بفقرا برسد اما چون ترتیب تقسیم را اینجا معلوم نکرده اند و با این اشخاصی که سابقه زندگانیشان این است که اموال دولت را اینطور حیف ومیل می کنند باین اشخاص اعتماد ندارم که پنجشاهی بسپارم وبنام اشخاصیکه من را وکیل کرده‌اند باین اشخاص اعتماد ندارم که یکدینار را تقسیم کنند درصورتیکه یکدینار نه سکه دارد ونه قابل تقسیم است زیرا همه می‌بینیم که در پرداخت حقوق وحوالجات مردم چه نظریات خصوصی اعمال می‌شود وقتیکه درطهران اینطور است درارومیه که آن رعیت بیچاره صدایش باینجا نمیرسد چطور اطمینان داشته باشم؟ صاحبان حقوق ومعلمین باید رسماً بیایند درمجلس وبرای حقوق حقه خودشان تحصن اختیار کنند و سرگردان باشند و آزانها یا دیگران هم درمرکز باین فلاکت باشند آنوقت اگر محاسبات وزارت مالیه ملاحظه کنید می‌بینید بآنهائی که هیچ مستحق نیستند حواله داده شده است آیا بیك چنین مالیه ومأمورینی می‌شود مطمئن شد و ۵۰۰ هزار تومان وجه نقد وچهار هزار خروار غله داد که بروند تقسیم کنند؟ باز تکرار میکنم که نظر همه وکلا برای رسیدن بصاحبان و مستحقین آن نه برای رأی دادن که بگوئیم ما هم دردوره چهارم برای رعایای فلکزده ارومیه پانصد هزار تومان پول وچهار هزار خروار غله رأی دادیم ازبرای اسمش نیست بلکه برای معنایش است وتا کمسیون محترم ترتیب تقسیم آن را معین نکند که ما بدانیم بچه ترتیب تقسیم می شود و هیئتی که فرستاده می‌شود بسر عموی این رؤسائی که آنها را می فرستند نخواهد بود و اشخاصی امین و متدین خواهند بود بعقیده بنده این لایحه مورد ندارد والا اگر بهمین ترتیب بگذرد درصورتیکه پول هم داده شود ابداً بصاحبانش نخواهد رسید و بنده مخالف هستم علتش هم این است وقتی شخصی بکسی اعتماد نداشت مال خودش را باونمی سپارد مال عمومی را که بطریق اولی و بنده تکرار می کنم چون اعتماد باین ترتیب فعلی ادارات ندارم درصورتی که با اصلش کاملا موافق هستم ولی چون ترتیب تقسیمش معلوم نیست باین جهت

نمی‌توانم رأی بدهم

رئیس — آقای محمدولی‌میرزا

(اجازه)

محمد ولی‌میرزا — بعقیده بنده‌حضرت والا زمینه مذاکرات را کاملا تغییر دادند دراینجا فقط موضوع مذاکرات این است که مساعدتی باهالی ارومیه بشود خود حضرت والا هم با یك فصاحت وبلاغتی فرمایشاتی فرمودند که اهالی آنجا این‌طور درچنگال ظالمین بوده‌اند وباید مساعدتی‌بآنها بشودولی‌بعد زمینه‌مذاکرات را تغییر دادند وبنده‌چون نمی‌خواهم‌داخل مذاکراتی که ایشان کردند بشوم مسئله را بر می گردانیم بهمان زمینه که هست دولت می‌خواهد بر حسب احساساتی که‌در مجلس تولید شد وبیاناتی که رئیس‌محترم مجلس راجع بمساعدت‌به‌اهالی ارومیه در موقع فتح قلعه‌چهریق فرمودند وتمام‌وکلا هم تصدیق فرمودند یك مساعدتی باهالی ارومیه بکنند حضرت والا هم خودشان فرمودند اساساً موافقند این مساعدت‌بآنها بشود ولی بعداز یکساعت صحبت‌بالاخره نفرمودند که طریق مساعدت چیست وبچه ترتیب باید رفتار بکنند که ایشان مطمئن شوند ؟ اعتماد نداشتن بمأمورین مالیه چه ربطی‌بعالم این‌لایحه دارد دراین که‌اهالی ارومیه بدبخت ترین اهالی نقاط ایران هستند وگرفتاری‌که برای آنها روی داده درهیچ نقطه وهیچ‌عصری روی نداده است حرفی‌نیست وحالا هم که مجلس و دولت می‌خواهندیك مساعدتی بآنهابکنند ایشان می‌فرمایند چون ماباعتماد واطمینان نداریم اهالی از گرسنگی بمیرند ؛ آقا موقع زمستان است واین بدبختهای بی خانمان اهالی ارومیه وسلماس درصحراها ودر مرکز و ولایات و در راهها مشغول گدائی وجان دادن هستند بنده‌هم با یك قسمت ازفرمایشات حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا موافقم ومقصودماهم این‌است که این وجه بمصرف خودش‌برسد و هیچ مقصود دیگری نداریم‌اگر دیگران‌مقصود دیگری‌داشته باشندماچنین مقصودی‌نداریم و هیچ‌کدام از نمایندگان نظر خصوصی ندارند که این اعانه‌بمالکین برسدوبرعیت بدبخت نرسد واین فرمایشات اغلب از بی اطلاعی بود .

سلیمان‌میرزا - خیر بنده کاملا اطلاع دارم شمابی اطلاع هستید

محمد ولی میرزا — درهیئت‌وزراء راجع بهمین امر کمیسیونی تشکیل شد و تقریباً دوجلسه هم تشکیل دادند و رفقای محترم ایشان‌هم تشریف داشتند و داخل درجزئیات حتی طرز تقسیم این اعانه هم شدند و بعضی از آقایان اهالی ارومیه و اهالی آذربایجان هم که اطلاعاتشان از بنده وحضرت والا بیشتر است حضورداشته وچون قرار گذاشتند در محل تقسیم شود ابداً دولت مداخله‌نکرد وبنظر کمیسیونی که درهیئت وزراء تشکیل شده‌بودمحول کرد و بالاخره درآن جا و از معاریف محل کمیسیونی تشکیل دهند وترتیب‌تقسیم رامعین نمایند والانه دولت ونه نمایندگان نمی توانند دراینجا اظهار عقیده کنند که بچه ترتیب این وجه تقسیم می‌شو ما باید اساسی حرف بزنیم‌وموافقت کنیم که‌پانصد هزار تومان پول وچهارهزارخروار غله را باهالی ارومیه بدهند دیگر طرز تقسیم‌آن باخوددولت‌است واین میزان هم خیلی کم است‌ولی چون بیش‌ازاین‌برای‌دولت‌مقدور نبود بدهد این مبلغ‌نقد وجنس راپیشنهاد نمودند تمام این رعایتها در کمسیون شدو بالاخره این طور قرار شد که یك هیئتی بروند ودرمحل طرز تقسیم را معین‌کنند چون بطور کلی نمی‌شد قرارداده شود و این مبلغ را بین هزارآبادی تقسیم کنند باین جهت قرار شد هیئتی‌فرستاده شود و درمحل ترتیب تقسیم معین شود حالاا گر نسبت بآن هیئت که فرستاده می‌شود یك نظریه داشته‌باشید ممکن‌است بطریق‌عملی (نه بطریق یکرشته مذاکرات خارج‌از موضوع) پیشنهادبفرمائیدشاید همه‌موافقت کنند مقصود اینست که این وجه بموقع برسد وهیچکس هیچ قصد دیگری ندارد وهرطور که خودشان‌عملی می‌دانندپیشنهاد بفرمایند شاید آقایان هم مساعدت نمایندو ولی این که می فرمایند چون من اعتماد ندارم باید اهالی از گرسنگی بمیرند این بکلی بافرمایشات‌اول‌خودشان مخالف‌است واگر بخواهند بهمین حرف قناعت کنند عملی نیست

نصرت الدوله - مخبر کمیسیون بودجه پیشنهاد دولت که مطرح شد فقط مطلبی که‌موضوع بحث بود و راپورت بمجلس داده‌شدقسمتهائی بود که‌ازنقطه‌نظر مالی تصویب مجلس‌رالازم داشت‌ولی‌همان طوری که قبلا اظهارشدقبل ازآنکه‌دولت این پیشنهادراتهیه کند گویا یك کمیسیونی از اهالی محل که اطلاع و بصیرت کاملی دارند تشکیل داده و آقایان نمایندگان آذربایجان‌هم‌درآن کمیسیون‌تشریف‌داشتند یك مذاکراتی درآنجاشده است وبا این ترتیب گمان نمی کنم اختلاف نظری باقی بماند چون مقصودیکی است وآن‌اختلاس وبی‌رویه گی ها وبی‌ترتیبی‌هائی که سابقاً دراین قبیل امور پیش‌آمده‌است وشاهزاده هم‌اشاره کردند چیزی نیست که کسی‌منکر باشد البته هرقدر دقت بشود بهتراست‌ولی ترتیبی‌را که کمسیون برای تقسیم در نظر گرفته اگر آقایان لازم می دانند رسماً برای اطلاع مجلس بدهند بنده تصور می کنم ضرری نداشته باشد چون قبل‌ازتهیه کردن این پیشنهاد درآن کمسیونی که دولت تشکیل داده بود ونظریه اتخاذ شده یکی این که طرز تقسیم رابمجلس‌پیشنهاد کنند یکی هم اینکه پس از گرفتن‌اجازه تصمیمی اتخاذ کنند حالا تصور میکنم رای دادن باین مسئله‌منافی با اصل مسئله نیست رای باصل‌مطلب‌بدهند ودر ضمن‌هم ازدولت‌بخواهندآن‌تصمیماتی که‌کمسیون اولیه راجع به تقسیم کردن‌در نظر گرفته است برای اطلاع آقایان به مجلس بفرستند تا مجلس هم مسبوق‌شود

رئیس- آقای‌حائری زاده

اجازه

حائری زاده - در کلیات آقای‌سلیمان میرزافرمایشاتی فرمودند و مترجم افکار بنده بودند ولازم نیست آن موضوع را تکرار کنم ولی‌آنچه من اطلاع دارم‌این است که اگردولت امروز مامورینش را بفرستند بمحل حقیقتا بایدسروداهالی‌محل مرا بخیر او امید نیست شرمرسان باشد. یك عده قشون‌رفته است آنجاواملا کی که زراعت شده بوده است یعنی یك مقدارش را اشرار زراعت کرده بودند ویکمقداری را هم اهالی که در آن حدود بوده اند ضبط کرده اند و مطابق اطلاعی که دارم پس ازاین که‌وزیرجنك مطلع شدتلگراف کرد بصاحبانش مستردارند بعدمامورین وزارت مالیه بعنوان مالیات آنچه را که قشون بصاحبانش رد کرده بود ضبط کنند حالا این لایحه که تقدیم‌مجلس‌شده مابایداین‌جزئی اعانه‌رابرای اهالی ارومیه که مدتهای مدید درسختی وزحمت بودند بایك‌نیت مقدسی ازطرف‌موکلین خودمان بسرعت‌تصویب کنیم ولی‌بعدازآنکه‌اطمینان حاصل کنیم که این‌وجوهات‌وغله بچه‌ترتیب تقسیم می‌شودوبعنوان اعانه تحمیل جدیدی باهالی آن محل نخواهد شد شد آنوقت تصویب کنیم. واین ماده سوم‌راجع بمالیات آن‌حدود است‌دراین ماده نوشته شده‌است که۳ سال مالیات بعنوان تخفیف موقوف المطالبه باشداین‌خیلی‌لازم‌است که تصویب کنیم وراه خرابی هم کمتردارد ولی‌اگر چنانچه مامالیات‌آن حدودرا می دانستیم و می‌توانستیم‌یك‌قانونی‌برای تقسیم این‌وجوه وضع کنیم من‌موافق‌بودم که ترتیب مالیات بدهیش تقسیم شودمثلا کسی‌که یك تومان مالیات بده است پنج تومان نقد وچهارمن جنس باواعانه داده می‌شود واین طور هم حیف ومیل کمترمیشد ومی‌دانستیم که بنام اعانه تحمیلی باهالی آن‌حدود نمی‌شود ولی من‌می‌ترسم یك‌عده مامورین رابعنوان‌اعانه بفرستند راست است که یك عده متنعم می شوندولی یك‌عده‌دیگربواسطه راه‌انداختن سیورسات وتحمیل بعضی شدائد باین‌نظر در زحمت‌می‌افتند واصلا می گویند اعانه بماندهند بهتراست لهذا بنده تاراه‌تقسیم‌و مصرف اورا کاملا نفهمم نمی‌توانم موافق باشم والا رای دادن نتیجه ندارد . گمان نمی کنم کسی باشد که معتقد باشد اهالی ارومیه غارت نشده‌اند یااینکه کسی منکر باشد وبگوید که بآنها اعانه داده نشود، خیر انکار ندارد وهمه موافق هستند ولی اشکالی که‌هست درموضوع‌اطمینان‌نرسیدن وجوه‌است بمستحقین‌وبی‌بضاعتهای آن‌نواحی آقا فرمودند کمسیونی که درهیئت وزراء تشکیل شده است این مطلب را هم تامین خواهد کرد من‌می‌ترسم این کمسیون هم‌از همان کمیسیونهائی باشد که بیشتر اسباب سوءظن من‌بشود. اگرطرزی راکه من عرض کردم عمل میشد یعنی مالیات آن حدود معلوم‌می‌شد نه کمیسیونی لازم‌بود نه مأموری . واهالی‌آن حدود می فهمیدندآن کسی که پنج‌تومان مالیات بده است‌بیست وپنج تومان از دولت قرض میکند یا پنج من‌غله می گیرد ولی‌اگر بخود دولت اعتبار داده شود که یك کرور پول وچهار هزار خروار جنس‌مطابق میل کمیسیونی که نمی دانم‌چه رقم‌اشخاصی عضوآن هستند ونمی دانم‌چه ترتیبی‌ازبرای‌تقسیم این‌وجوه‌قائل شده‌اند شاید مطمئن نباشم وتامعلوم نشود که طرزتقسیم این وجه‌چطور است نسبت بسهم خودم نمی‌توانم دراین موضوع رای بدهم .

رئیس-آقای معتمدالتجار

(اجازه)

معتمدالتجار — عرایض بنده گفته شد .

رئیس- آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده ابتدا یك‌سطر تاریخی برای شاهزاده سلیمان میرزاعرض می کنم درخدمت آقای مدرس در موصل بودیم عزیز بیك نامی آمد آنجا وصحبت می کرد بنده ومدرس تنها نبودیم جمعی‌از ایرانیها هم بودند. گفت این حرکات‌شما باعث شد که صد ها هزار نفر از اهالی ارومیه وسلماس و خوی وسلدوز زن وبچه کوچك و بزرك همه دست همدیگر را گرفته رفتند بکوه رواندوز وتلف شدند ومردند و کشته شدند طوری این حرف‌را زد که همه‌ماها بگریه افتادیم ازاین‌بدبختی های آنها . در آنوقت درحضور آقای مدرس برای ما صحبت‌شد و درتاریخ هم هست ومورخین‌هم نوشته‌اند که این عملیات مرکز باعث شد که این همه زنها و بچه‌ها در کوههای رواندوز مردند باشد مطلبی نیست بفدای بنده که فریادمیزنم . بفدای شما که میفرمائید من اعتماد و اطمینان ندارم .

وقتی که مذاکرات راجع میشود به ملبوسات وطنی‌میفرمائید من‌آمالم‌این‌است ولی نخواهدشد آقا پس کی آمال شما

این مملکت اجرا میشود؟ پس‌چه‌وقت ما این مملکت را بعرق ایرانیت وادار کنیم وقتی که صحبت امنیت بلادمیشودومیگوئیم ناچاریم قشون‌راترقی بدهیم تا امنیت‌زیاد شود می‌فرمائید من اطمینان ندارم‌پس‌مردم چه کنند؟ آنها باید بمیرند که شمااطمینان ندارید؟ آقا پس کی مسئول است ؟ یك قدری توجه بفرمائید آخر بایداین‌بدبختیها را نجات داد . خوب است نطقهای دوره دوم وسوم‌تان را به‌بینید آن‌آتش‌نطقهاچه برسر مردم ایالات و ولایات آورده است رمردم را بچه روز انداخته است آمدیم بسر تقسیم همانطور که شاهزاده محمدولی میرزا فرمودند اهالی خوی و ارومیه و ساوجبلاغ‌تا اطراف‌بانه وسقز دچار لشکر تطاول شدندوا کرادآنها را باین‌روزگار انداخته‌اند که همه می‌دانند و فعلا مجلس که مرکزثقل مملکت است بایدیك‌فکری بحال آنها بکند ودولت هم باتوافق نظر نمایندگان آذربایجان یك کمسیون‌مقدماتی تشکیل داد وپس ازآن یك لایحه‌بمجلس تقدیم کرده که‌یك‌کرور پول وچهار هزار خروار جنس اعانه باهالی ارومیه وسلماس وسایرنواحی داده‌شود

حالا شما میفرمائید اعتماد نداریم . پس مردم غارت زده چه خاکی به سرشان بریزند. پس خوب‌است شمابیائید وکار دیگر بکنید. خدا عمرتان بدهد. خودتان تشریف ببرید هم مجلس راحت می‌شود وهم نظریات‌خودتان تأمین‌می‌شود خودتان تشریف ببرید واین پول‌را به‌آن مستحقی که‌می‌دانید برسانید تامردم‌بدبخت نجات‌پیدا کنند والله‌بالله عقب‌سرتان‌الله‌اکبر وسلام وصلوات می گویند که بروید این پول را به‌آنهابرسانید بهتر ازاین‌چه‌میشود که اهالی‌سلماس و ارومی هم بگویندودر تواریخ نوشته شود که دارا شورای ملی دوره چهارم هم یك‌عده از و کلا را روانه کردند وما را نجات دادند و پول بما رسید .

بنده هم مطمئن هستم که یك کسی که درمجلس بوده است وبااو کار کرده‌ام رفته است واگر خدای‌نکرده نرسیده‌باشد گردن او است دیگر بمن ربطی ندارد. آقایان حاج‌سیدالمقین و معتمدالتجار و فیوضات هم هستند بروید این اعانه را بمستحقین بدهید و کاررا تمام کنید نه‌اینکه کارشکنی کنیدوبگوئیدنباید دادوبفرمائید چون اعتماد واطمینان بدولت ندارم پس نبایداین‌اعانه به‌آنها داده‌شود البته‌تصدیق می‌فرمائید که این فرمایش صحیح نیست و فایده ندارد وبنده می‌خواهم عرض کنم که برای ولایات سرحدی هم از قبیل سنندج وبانه وسقزیك اقدامی بفرمائید و به آنها هم یك اعانه‌بدهند چون تلگرافی‌ازطرف سقز وبانه‌رسیده‌وبنده ازآقایان‌سردارمعظم واقبال‌السلطان و حاج میرزا اسدالله خان سؤال کردم و از آن تلگراف همچومعلوم میشود که‌جماعتی‌ازآنها دچارچپاول‌شده‌اند واموال آنهارا غارت کرده‌اند وخیلی بجا است حالا که نظر دولت برفاهیت حال‌این بیچارگان است آنها را هم ازاین نعمت بهره‌مند کنند . وتحقیق کنند که اگر در طرف سقز وبانه دچار چپاول وغارت شده‌اند واین مطلب صدق است‌در باره آنها هم کمك ومساعدتی بشودودولت درباره‌آنها هم تفقدی‌بکند. ونیز استدعا دارم دراین‌باب رأی بدهید بعدطریق‌عملی را اتخاذ کنیدوهر کس‌هم طرف اعتمادتان است روانه کنید تااین کار خاتمه‌پیدا کندو مردم راحت شوند.

رئیس- آقای‌سیدالملك

(اجازه)

سیدالملك - گمان نمی کنم‌هیچکس مخالف باشد که باهالی ارومیه اعانه داده شود ولی حرف دراین است که چه‌قسم به‌آنها برسد .

بنده هم باین قوه مجریه فعلی‌اعتماد ندارم که پانصد هزار تومان نقد و چهار هزار خروار جنس‌بدست‌آنها داده‌شود که آنها باهالی ارومیه بدهند چرا ؟ چون نظایر این کاررا غالباً دیده‌ایم چنانچه اعانه برای اهالی ارومیه گرفتند و ندادند و مسئله زیادترهم‌است.

پس ما نمی‌توانیم رأی بدهیم. چرا؟ برای اینکه همین‌نمایندگان محترم دراین مجلس فریادها کشیدند که مولیتر مال‌مردم را اختلاس کرده بحساب اورسیدگی کنید وآنچه برده بگیرید بدهید معلوم نشد که مولیتر در کجا تبرئه شد وچطور بی گناه شد که تازه‌مأموریت باو داده‌شده

بنده بااین ترتیب نمی‌توانم‌رأی‌بدهم که بهمچو قوه مجریه پانصد هزار تومان نقد وچهار هزار خروار جنس داده شود باهالی ارومیه بدهد. مجدداً عرض میکنم بنده نسبت بسهم خودم اطمینان ندارم پس خوب است مجلس یك فکر عملی دراین موضوع بکند که ترتیبی داده‌شود واین پول باهالی غارت زده ارومیه برسد ومثل سایر اعانه‌ها که همه وقت داده شده وبرخلاف یکی دوتایش که‌رسیده وبقیه‌اش معلوم نیست کجا رفته و چطور شده است نشود .

رئیس — آقای رفعت‌الدوله

(اجازه)

رفعت‌الدوله - بنده تصور نمی کنم که کسی مخالف با این اعانه باشد البته باید به آنها رعایت بشود و اینکه شاهزاده سلیمان میرزا می فرمایند اطمینان ندارم این دلیل‌نمی‌شود مااطمینان داریم پس بیائید وبنشینید ومذاکره کنید ویك ترتیب صحیحی باین کاربدهید وباین یك کلمه حرف‌نمی‌شود مانع از دادن‌اعانه بیك مشت فقیر که خودتان بهتر می‌دانید شدوباین لفظ‌اعتماد ندارم‌نمی‌شود ده‌هزار نفربی‌چاره دراین زمستان ازبین بروند و تلف شوند بنده می خواستم یك سؤالی کنم ولی نمی‌دانم از کی سؤال‌کنم ازوجه اعانه که سابقاً برای‌اهالی ارومیه گرفته‌شده گویا چیزی هم باقی مانده بود که آقای ارباب کیخسرو در کابینه آقای سپهدار پرداخته اند

ارباب کیخسرو - بنده ابداً دخالت نکردم

رفعت الدوله - چرا قدری باقی مانده بودامادر کابینه‌آقای‌سپهداریرداختید خودتان می‌دانید که دراین مجلس چندین گاردن پارتی داده شد ومردم‌پولهادادند خود شماهم متصدی بودید بنده هم‌آمدم اینجا ولی حالا شنیده‌ام که ازآن اعانه مبلغی باقی مانده اگر آن را هم ضمیمه می کردند خوب‌بودوامااراجع باصل مطلب بهتراین‌است که‌ماتصویب کنیم‌بآنهاداده‌شود بعدمعلوم کنیم‌بچه وسیله مطمئن بآنهابرسد واین مطلب مانع تصویب کردن مانیست حالا هرطور می دانید تحقیق بفرمائید و یك‌طریق عملی اتخاذ کنید

ارباب کیخسرو - اجازه بفرمائید توضیح بدهم

رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - بنده تعجب‌می کنم که آقای رفعت‌الدوله چرایك مطلب بی‌اساس‌رافرمودندواین‌قدرهم‌تأکیدمی کنند بنده‌نه‌عضو کمسیون‌بودم‌نه‌دخالت کردم‌وآن چیزی را که ایشان ملتفت‌شده‌اند درخارج شنیده اند مسئله اعانه آمل بوده است و مربوط بارومیه نبود کمسیون‌آمل بود که رئیسش‌آقای مستوفی‌الممالك ونایب رئیس آن آقای مشیرالدوله بودندوده هزاتومان که‌اصلا وفرعاً باقی بود مطابق تصویب کمسیون‌درزمان کابینه سپهدارآقای‌سپهدار گرفتند وگیلانی ها پرداختند وهیچ‌مربوط بارومیه نبوده

رفعت الدوله - خوب من اشتباه کردم

رئیس - آقای مستشارالسلطنه

(اجاره)

مستشار السلطنه - خیلی تشکر میکنم‌ازآقای‌رفعت‌الدوله که‌مراجعه‌باعانه‌ارومیه کردند و سؤالاتی هم از مخبر کمیسیون کردند بنده چون مخبر کمسیون ارومیه هستم اینست که از آقای رئیس اجازه خواستم بطور اجمال بعرض نمایندگان محترم برسانندما حصل کلیه اعانه که چند سال پیش در زمان دولت‌های‌سابق که‌روی کار بوده‌اند جمع‌آوری شده ۱۱۲۱۷۰ تومان بوده که از این مقدار ۳۸۱۸۱ تومان توسط بانك بتبریز ارسال داشته‌اند و مبلغ ۱۸ هزار تومان هم توسط مالیه فرستاده شد ولی در قسمت هیجده هزار تومان بعضی حرفها زده شد و می گویند بطوری که باید وشاید تقسیم نشده و ده هزار تومان هم درزمان کابینه سپهدار به مهاجرین گیلانی برسم علی الحساب داده شد ودویست وبیست‌تومان‌هم مخارج‌متفرقه شد وهزار تومان هم بمصرف مهاجرین ارومیه که در تهران بوده اند رسیده است و مقداری هم بمصارف اهالی ارومیه در کابینه آقای مشیرالدوله و کابینه سابق آقای قوام‌السلطنه رسیده است و تقریباً دویست نفر ازمهاجرین را راه انداخته‌اند ازاین مقدار آنچه عجالتاً باقی است‌یعنی این دوفقره اعزام مهاجرین اگر ازمبلغ کلی موضوع کنیم باقی می ماند ۵۱ هزار تومان که به عهده دولت است وچون این کمسیون ارومیه هر چه گرفته است بجمع دولت آورده است که اوبرساند ودولت ازاین مبلغ پنجاه و یك هزارتومان یك عده مهاجرین را راه انداخته است ورفته‌اند و کمسیون برای این مبالغی که باقی مانده‌است یك‌اقدامات مفیدی کرده و بدولت تأکید شد که بمأمورین تقسیم این اعانه مراجعه کند و یك اقدامی دروصول و ایصال این مبلغ بنماید ولی هنوزنتیجه حاصل نشده است‌و کمسیون مدتی است منتظراست که دولت برای وصول وایصال بقیه این مبلغ که در یکی از تجارتخانه‌ها مانده است جدا مساعدت نموده واقدامات مؤثری بکند تا این مبلغ کاملا وصول شده بمصرف غارت‌زدگان آن نواحی برسد ولی هنوز کمسیون باین نتیجه نرسیده است که این وجوه بدست آید ودرتحت نظر کمسیون بمصرف ارومیه‌ها برسد.

این بود مطالب راجع باعانه ارومیه که بعرض آقایان رساندم.

(پیشنهاد آقای حاج‌شیخ‌اسدالله

بمضمون ذیل قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد می کنم که لایحه از دستور خارج گشته بماند تا ترتیبی برای تقسیم داده شده مجدداً بمجلس عودت داده شود.

رئیس — آقای حاج شیخ‌اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ‌اسدالله — بنده خودم در کمسیون بودجه بودم درموقع مذاکره‌در این لایحه آقایان نمایندگان آذربایجان حضورداشتند وخیلی هم اصرارداشتند که این لایحه از کمسیون بگذرد این بود که این لایحه با نظریات آقایان نمایندگان آذربایجان تقدیم شد حالا امروز خود

و کلای آذربایجان وحضرت والا سلیمان میرزا که یکی ازرفقای محترم آنها هستند دراین لایحه نظریاتی دارند که بدانند طرز تقسیم این وجه چطوراست. وآقایان رفقایشان هم دراین زمینه ساکت هستند وگویا با ایشان موافقند . . .

فیوضات - اجازه خواستیم عرایض خود را عرض کنیم ولی نوبت بما نرسیده است.

حاج شیخ اسدالله — وچون خود وکلای آذربایجان هم شاید دراین لایحه نظری دارند دیگرما نمی توانیم حرفی بزنیم چون خود آنها ابصر هستند

(بعضی ازنمایندگان — صحیح است)

باین جهت پیشنهاد کردم که از دستورامروز خارج شود وبه کمیسیون بر- گردد تا ترتیب تقسیم این وجوه را آقایان نمایندگان آذربایجان وشاهزاده سلیمان میرزا هرطوری که صلاح می‌دانند و عملی باشد پیشنهاد کنند والبته ما هم موافقت خواهیم کرد چون غیرازاین لایحه وکلای آذربایجان در کمسیون پیشنهادی نکرده بودند حالا اگر تجدیدنظررا لازم میدانند ما هم با آنها موافقت می‌کنیم لهذاپیش- نهاد کردم ازدستورخارج شود تا درثانی آقایان نظریات خودشان را بطورتبصره یا لایحه یا هرطور که صلاح می‌دانند و عملی باشد بمجلس بیاورند (چند نفراز نمایندگان - صحیح است)

مخبر — بنده چون می‌بینم که تقریباً اغلب آقایان با پیشنهاد آقای حاج‌شیخ اسدالله موافقت کردند این است که ازطرف کمسیون این لایحه را استرداد می کنیم برای‌اینکه‌در کمسیون با حضورنمایندگان آذربایجان وحضورهیئت دولت مذاکراتی نسبت بمقدمات این مطلب و طرز تقسیم این وجوه بعمل آمده مجدداً راپورت دهد.

(صحیح است)

رئیس - دوفقره‌پیشنهاد رسیده‌است با وجود اینکه کمسیون استرداد کرد معذالك قرائت می‌شود تا آقایان مطلع شوند.

(پیشنهاد آقای زنجانی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که یك ماده در ذیل این مواد افزوده شود.

هیئتی مرکب ازدونفرمعتمدازمرکز وسه نفرازتبریزوچهارنفر از اهالی ارومی وسلماس وسلدوز وانزاب بمعرفی نمایندگان آذربایجان معین شود که بطور صحت این وجوه وغله راتقسیم نمایند.

زنجانی علیمحمد دولت‌آبادی . حاج سیدالمحققین . مستشارالسلطنه.

(پیشنهادآقای‌محمدهاشم میرزابشرح ذیل قرائت شد)

بعنوان مادة الحاقیه پیشنهاد میکنم. دولت با اطلاع وموافقت‌نمایندگان محترم آذربایجان قرار و ترتیب ایصال و تقسیم نقد وجنس را باهالی بدهد.

مخبر- بنده قبول می کنم که این پیشنهادات را با لایحه‌به کمسیون بفرستند وهمانطور که عرض‌کردم در کمسیون با حضورنمایندگان آذربایجان که در این کارابصر هستند وهیئت دولت در خصوص تقسیم مذاکرات وتبادل نظربشود و اگر اصلاحاتی لازم شد اصلاح شود بعد به مجلس تقدیم کنیم وهمانطور که آقای‌حاج شیخ اسدالله اظهار کردند بیشتر مدرك تصدیق وترتیب این لایحه که امروز کمسیون بودجه بمجلس تقدیم کرده است موافقت نظربا نمایندگان آذربایجان‌بود وآنها خودشان‌دراصل مطلب‌حرفی‌ندارند وهمه دراصل مطلب موافقند ولی چون راجع به تقسیم این وجوه بعضی‌نظریاتی دارند این است که مجدداً این لایحه به کمسیون مراجعه می‌شودوپس ازاصلاحات بمجلس تقدیم می‌شود.

رئیس — مخالفی نیست ؟

(گفتند خیر)

رئیس — لایحه امتیازنفط شمال مطرح است.

ماده اول .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول — مجلس شورای ملی شرایط اعطاء امتیاز و اجازه مخصوص و مانع للغیراکتشاف وبازدید وحفر چاه را برای تحصیل واستخراج و تصفیه نفط و بدست آوردن گازهای طبیعی وغیر و موم معدنی وعملیات درمواد مزبوردرقسمتی از مملکت ایران که عبارتست از ایالات آذربایجان که (اردبیل‌هم‌جزء آن ایالت محسوب می شود وایالات خراسان‌وولایات گیلان ومازندران واستراباد که بعد از این بلفظ (ایالات وولایات خمسه‌مذکور میشود) وهم‌چنین اجازه صدورمحصولات نفطی مزبوررا بخارجه‌وحق‌غیر انحصاری فروش وتجارت محصولات نفطی را در داخله ایران موافق مواد ذیل مقرر می دارد .

رئیس — آقای دست غیب (اجازه)

رئیس — ببخشید آقای‌شیخ‌الاسلام مقدم‌ترند.

شیخ‌الاسلام اصفهانی - ماده‌اول این امتیاز نامه قرائت شد ملاحظه فرمودید که بسیار خوب ماده ایست و اساسا این کار هم کار بسیار خوبی‌است والبته باید معادن ایران استخراج شود وازاین فشار اقتصادی قدری کاسته شود وبی کار ها کاردار شوند وپول دراین مملکت بیاید وهزاران منافع دیگر ببرند وبنده کاملا بااین ماده موافقم بدوشرط . یکی‌این‌است که ازاین پنج ایالت وولایت یك کدامش راعجالتا زمین بگذارد . چون عجله در کار خوب نیست پنج یاشش ایالت‌نفط خیز در این مملکت هست چهار فقره‌آن هارا فعلا امتیازبدهند ویك‌فقره‌آن‌عجالتا باشد که اگر خدای نکرده ازاعماق‌مطلب یك چیزهائی بروز کرد لا اقل پشیمانی محدود باشد شرط دوم این است که در بعضی ازاعتبارات این‌امتیازنامه بعقیده‌بنده یك غفلت هائی شده‌است اگر چه بعضی ازآنها چندان معنی رامختل نمی کندولی بعضی ازآن‌ها معنی‌را مختل کرده‌و یك مضرات فوق‌العاده برآن‌هامتصور می‌شود که‌تصور می کنم فقط غفلت عبارتی باشد و گمان نمی کنم در اصل مطلب اختلافی باشد وشاید نظریه اعضای کمسیون هم موافق باشد باآن معنائی که‌درنظر بنده است چنان که یك‌فقره ازآنها که خیلی‌مهم بود به‌آقای مدرس که‌عضو کمسیون‌هستند عرض کردم وایشان هم تصدیق کردند که‌در آنجا یك کلمه یادو کلمه اضافه شود حالا بنده‌اشاره می کنم به‌آن‌عبارت هائی که تصور می کنم در آنها غفلت شده است مثلا در ماده پنجم می نویسد . . . .

رئیس - مذاکرات در ماده اول است .

شیخ‌الاسلام - بنده اول عرض کردم که باماده اول موافقت می کنم بشرط این که چندفقره اصلاح در عبارات این لایحه بشود وحالا عبارت را عرض‌می کنم در ماده پنجم می‌نویسد : وباقی‌اراضی را کمپانی بلاعوض بدولت واگذار نموده‌و ودولت‌الخ . . .

رئیس - عرض کردم مذاکرات‌راجع بماده اول‌است.

شیخ‌الاسلام — بنده باماده اول موافقت می کنم باینشرط که این‌اصلاحات دراین‌لایحه‌شود.

رئیس . بایدبعد بفرمائید.

شیخ‌الاسلام . در ماده اول حق دارم وارد در کلیات‌شوم.

وعرض می کنم تااین اصلاحاتی که بنده درنظر دارم نشود مخالف هستم و نمی توانم رای بدهم چون بعضی از این عبارات مجمل است ومثل این است که ۵ ایالت وولایات مهم ایران راکه تقریباًده هزار فرسنك مربع‌است‌دولت بیك کمپانی فروخته‌است.

(گفته شد خیر . خیر نفروخته است .)

وحق اوشده است که بعدآن ها را بلاعوض واگذار کندواین‌عبارت نازیبائی است وباید عوض شود : ونوشته شود در باقی اراضی کمپانی حق خواهد داشت .

یکی دیگر این که‌درماده هشتم می نویسد : بعلاوه‌تمام اسهام‌سرمایه کمپانی یا کمپانی‌های تشکیل شده برای هرنوع عملیات این امتیاز باید بقید الغای این امتیاز در صورت تخلف درتحت مالکیت وتصرف‌ودردست‌رعایاباشر کتهای‌امریکائی باشد .

بعقیده بنده عبارت (درتحت) از آن مستشاراتی‌است که در مطول استعمال یك قدری عبارت سنگین است وبایدعوض درتحت نوشته‌شود : (درصورت‌تخلف دررعایت شرط)دیگر درتحت لازم‌نیست درماده یازدهم‌هم یك عبارتی است که‌خیلی مشکل‌است وهمین مطلب بود که‌به‌آقای مدرس عرض کردم و ایشان هم عرایض بنده‌را تصدیق فرمودند در ماده یازدهم نوشته‌شده‌است : هرقدر از اراضی غیر مزروع بائر متعلق بدولت را که‌مهندسین صاحب امتیاز برای ساختن تأسیسات و لوازم کار وهم‌چنین برای بنای کار- خانجات تصفیه وانبار ومخازن لازمه‌بجهت انبار لازم بدانند) بعقیده بنده دراین جا دو کلمه حذف شده‌است چون بعداز جمله اراضی غیر مزروع نوشته‌شده است‌متعلق بدولت وباید رعایت املاك مردم هم‌بشود والا اراضی اشخاصی هم عطف باین‌جمله می‌شود ومی‌آیند درخانه وباغ و قنات و کشت وزرع بنده یادیگری ومی گویندبر اینجا چاه نفط است وهمه راداغان می کنند وابدا دراین‌ماده رعایت املاك‌مردم نشده و اگر بحال خود باقی بماندباین نگرانی که‌عرض کردم‌هست وباید این طور که عرض می کنم یعنی عبارت قریب باین شکل نوشته شود که اگر زمینی برای انبار می‌خواهند باید ترضیه خاطر بنده یاشمارا که صاحب ملك هستند بعمل آورد آنوقت شروع بساختن انبار تصفیه وغیره بشود این مطلب رابنده به آقای مدرس هم که‌عضو کمسیون بودند عرض نمودم وتصدیق کردند که باید این در جمله دراین عبارتی که‌عرض کردم‌اضافه شود مطلب دیگر این‌است که در ماده پانزدهم نوشته شده (در موقع انقضای مدت امتیاز کلیه‌ملزومات‌ابنیه‌واثاثیه‌وماشین آلات . . .)

فرض کنیم مدت‌امتیازامروز تمام‌شدومنقضی شدفردابآقای کمپانی می گوئیم‌این‌لوازمی که شمادرایران‌دارید مال‌دولت ایران‌است می گوید خیر. روزی که من این امتیاز را گرفتم‌بایك کمپانی آمریکائی قرارداد‌نمودم که تمام لوازم این کاررا بیاورد وبمن‌بدهد وآنوقت صدبیست یاصد سی ازمنافع را ببرد وشما در این ماده نوشته اید اثاثیه ولوازم صاحب امتیاز . اوجواب می‌دهد که اثاثیه متعلق بمن‌نیست وصاحب اثاثیه هم

کس دیگراست ودر آمریکا است بروید پولش‌را بصاحبش‌بدهید واثاثیه رابردارید پس عبارت‌این ماده‌را بعهده بنده بایداین طور نوشت

رئیس - عرض کردم جای این مذاکرات این‌جا نیست . مذاکراه در ماه اول‌است نه درماده‌یازدهم

شیخ‌الاسلام - بنده‌عرض کردم با ماده اول‌موافقم بشرط این‌عبارت را تغییر بدهندو الا این امتیاز را مخالف مصلحت ایرانی‌ها می‌دانم ورأی نخواهم داد چون رعایت بعضی نکات نشده است

رئیس - حالاموقع رای نیست در شوردوم رای گرفته می‌شود. چون‌عده کافی نیست چنددقیقه تنفس می‌شود

(دراین‌موقع جلسه‌برای تنفس‌تعطیل وپس‌از یك ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای دست‌غیب مخالفید ؟

حاج سید محمد باقر دست غیب - بلی

رئیس — آقای آقا سید یعقوب چطور ؟

آقاسیدیعقوب - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

آقاسیدیعقوب - اولافرمایشی که آقای آقاشیخ‌الاسلام فرمودند راجع‌بماده هشت‌وپانزده بودومسلم‌است‌اگر پیشنهاداتی داشته باشند چون‌شوراول است بفرمایند به کمسیون میرود و نظریات کمسیون معلوم می‌شود و راجع بماده اول ایشان صحبتی نکردند درهرحال بنده خواستم‌آقایان را متذکر کنم که ماهانماینده ملت‌ایران‌هستیم وآقایان درنظر دارند وقتی که صحبت امتیازنفط شمال شد تمام ایالات و ولایات ایران بایك شوق وشعفی باین‌مسئله توجه کردند وهمه ماها می‌دانیم که مادارای یك صنایع وحرف زیادی نیستیم ودست‌طبیعت یك خزائنی را برای‌مادرقعرزمین جا داده است نهایت‌اینکه طبیعت‌مارا ازقافله تمدن عقب‌انداخته که نتوانسته‌ایم‌خودمان‌استخراج کنیم‌وحالا که دیگران آمده‌اند ومی‌خواهند این معادن‌را استخراج کنند بیك ترتیباتی که منافعی‌هم‌برای‌مامتصوراست بایداستقبال کنیم وشاهراه تمدن‌را بگیریم برویم‌یعنی آنهائی که درتمدن وترقی پیش‌قدم بودند این طور صلاح دانستند و کرده‌اند ماهم باید دنباله تمدن آنهارا بگیریم وازاین‌فقر اقتصادی نجات پیدا کنیم این‌است که بنده بااین ماده اول ترتیبی که هست موافقم و مطابق تلگرافاتی که از تمام نقاط ایران رسیده است‌می‌توانم عرض کنم‌این موافقت ازطرف تمام اهالی ایران است که باشوق وشعف تلگراف تبریك مخابره کرده‌اند والان هم‌دردوسیه موجوداست‌واگر آقایان میل‌دارند تشریف ببرند ونگاه کنند واما درآن‌خصوص که‌آقای شیخ‌الاسلام‌فرمودند که یك قطعه از نقاط خمسه استثناء شود اگر کسی دراین‌باب پیشنهادی کند که یك قطعه ازاین قطعات نگاهداری شود که‌در تحت یك شرایط ونظریاتی کمسیون هم درآن مطالعه کند وبنده هم باآن پیشنهاد موافقت خواهم کرد وازهرجهت بنده بااین ماده موافق هستم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقامیرزاعلی کازرونی - بنده با اصل امتیاز مخالفم و دلیل مخالفتم را بقدری که می‌توانم بعرض آقایان میرسانم هزاران سال‌است که دست قدرت خداوندی یك‌نفطی درزیر زمین برای اولاد ایران ذخیره کرده حالا ببینیم فرزندان واولادان ایران بااین ذخیره چه معامله کردند : نفط جنوب‌را که انگلیس‌ها بردند و داغش بدل ماهست وهیچ وقت هم‌فراموش نمی‌شود و درواقع یك قسمت بزرك از ثروت خارجه را همین نفط جنوب ما تهیه می کند وآن طوری که از شخص موثقی شنیدم که در یك سال چهل و هشت ملیون لیره فروش نفط است در صورتی که فقط منحصراً از قرار صدی ۱۶ خالص‌عایدات ۶۴۰ هزار تومان بماداده اند یعنی‌ازاین خوان نعمت فقط یك‌استخوان نصیب ماشده است آمدیم درخصوص نفت شمال این را هم حالا می‌خواهم بدهیم استخراج کنند و خیلی هم کوشش می کنیم که‌بایدزودتر این منبع ثروت ماازقلب‌زمین بیرون‌آمده و استخراج شودراست است و البته باید بیرون بیاید امانه نفت تنها بلکه باید همه معادن تحت الارضی ما استخراج‌شود آیا این ثروت‌هم باید بخارجه برود یا این که عاید ما بشود.

البته اشخاصی که کوشش‌دارندزودتر استخراج شود مقصودشان است که نفع آن عاید مملکت فقیربیچاره خودمان‌بشود دراین قانون امتیازاز یك‌طرف قائل‌شده است که‌از خالص‌عایدات‌صدی ۱۶ بدولت ایران بدهند و از طرف دیگر می گوید اصل مایع از قرار صدی۱۲ ونیم بایددر مدت معین مستهلك بشود واین هم برملت ایران تحمیل می شود ودرآن قسمت‌نفتی که ایرانی می خواهدمصرف کند اصل سرمایه نیزمستهلك می‌شود

از طرف دیگراز اصل سرمایه از ماصدی۷ ربح میگیرندوآنچه‌مخارج‌است از اصل عایدی موضوع می‌شودو مواجب متخصصین‌و رؤساء و مرئوسین که از خارجه‌می آیندازعین عایدی می برند و بعلاوه آنچه مخارج تعلق می گیرد قسمت اعظم‌آن‌بخارجه‌خواهدرفت و فقط‌مخارجی که ممکن است عاید ایرانی شود همان حقوقی است که به‌دوسه‌هزار نفر عمله‌بیچاره مفلوك ایرانی داده می‌شود وبالاخره پس از تمام این حرفها اگرچیزی هم عایدی داشته‌باشد ۸۴ برای آنها و۱۶ برای ما می‌ماند واین چیز غریبی‌است در صورتی که‌در این حال دیگر حقی برای او باقی نمی‌ماند و فقط‌حق‌العمل می‌خواهدبازاگر می گفت صدی۱۶ برای آنها و ۸۴ برای ما این یك‌چیزی بود ولی حالا که صدی ۸۴ برای آنها و۱۶ برای ما منظورشد غریبی است وبنده حقیقتاً علت این‌را نمی فهمم ! در آن زمانی که مانابینا بودیم یعنی در زمان‌استبداد وهمان‌اوقاتی که‌آب دریاچون‌شور بود بدردنمی خورد و بواسطه پول یابواسطهٔ تهدید یا بالاخره بواسطهٔ جهالت امتیاز نفت‌جنوب داده‌شد. آنروز هم روزی بود که نفط چندان مشتری و خریداری‌مثل‌امروز نداشت ولی امروزه‌در دنیانفط با زندگانی نوع بشر توأم‌است ماهم‌بصیر و مطلع‌هستیم نفت‌مال التجاره‌ای است که روز بروزروبترقی‌است‌وخریدارش بیشتر است با این حال عجله داریم که‌این امتیازرا بدهیم و مثل‌این بود که‌کسی‌عقب ما گذارده است اگر این امتیازراندهیم می برند؟بنده عقیده دارم که امتیازاین‌نفت باید بتجار ایرانی داده شود . امروز در جرائد وروزنامجات دیدم عده‌ازاین ایرانی‌ها پیشنهاد کرده اند که ما حاضریم باهمین شرایطی که دولت می خواهدبه‌کمپانی امریکائی بدهدخودما یك‌ایالت‌را قبول‌می کنیم واگر دولت بمااعتبار نداد حاضریم وثیقه‌هم‌بدهیم این‌ها وثیقه هم‌می دهند و حاضرند که نفت‌یکی‌از ایالات رااستخراج کنندو معتبر هم هستندوتمام منافع‌ومخارج هم عاید ایران و ایرانی می‌شودبااین‌حال چرا ما بامد خودرا حاضر کنیم که این آخرین زندگانی وحیات خود را باجنبی بدهیم که آنها مزید برسرمایه وثروت‌خود بنمایندو ما بهمان حال فقر و بدبختی باقی باشیم. آقایان‌ملاحظه کرده اند آخرین سالی که ممکن‌است مادارای یکی‌دوچاه بشویم همان‌سال هشتم است و الا بمجرد این‌که این امتیاز رادارایم دارای نفت نمی شویم.

آقایان‌خیال نکنند‌الان که این‌امتیاز گذشت فوری‌نفت در بازار حاضر وهمان ساعت‌صد۱۶ عایدما می شودخیر. اینطور نیست بنده عرض می کنم‌ما عوض این‌که صد شانزده‌می گیریم باید صد ۱۶ بدهیم یعنی متخصص می آوریم و خودمان این معادن رااستخراج کنیم اگر خواستیم که تصفیه می کنیم و اگر نخواستیم مشتری از اروپامی آید وباکمال منت و تملق از ما می خرد.

بنابر این هیچ دلیلی نمی بینم که بااین عجله این آخرین سرمایه زندگانی خودمان‌را بخارجه بدهیم

رئیس — آقای‌مدرس (اجازه)

مدرس - بنده گمان می کنم همانطور که معادن ایران از روزیکه خدا خلق کرده است دست نخورده است اکثرماها هم از روزیکه خدا خلقمان کرده است دست نخورده‌ایم زیرا هی‌خارج ازموضوع صحبت می‌داریم یا وجود اینکه نظامنامه درهرموقع بما اشاره کرده است که خارج ازموضوع صحبت نکنیم وخداوند همچو نعمتی‌مثل آقای رئیس بما مرحمت‌فرموده که‌اشاره ایشان‌را باید حکم بدانیم و در مجلس از ایشان اطاعت کنیم پس خوب است در موضوع صحبت کنیم و آن این استکه‌اگرعقیده بعضی‌ازآقایان این باشد که‌اصلا این معادن درزیرزمین نهفته بماند برای نهفتن چه سنك وچه زر شاید این ذخیره که‌ازقدیم مانده است امروز موقعش باشد که اهل مملکت شروع باستفاده کنند واگرممکن باشد تمام معادن‌را استخراج کنند وگمان می کنم در مملکت ما کمتر معدنی باشد که وجود نداشته باشد و چیزی بهتر از این نیست که خود اهالی مملکت ازاین نعمتهای خدا داده بهره‌مند شوندوشاید بتوفیق خداوند بتوانیم کار- خانجات وراه آهن وعلوم وصنایع جدیده و بالاخره از تمام آنچه را که‌دنیای کنونی دارد وما نداریم درمملکت خودمان ایجاد وتأسیس کنیم لکن‌متأسفانه اسباب ووسایل این صنایع وعلوم امروزه چندان برای ما فراهم نیست‌زیرا علم نیست . پول نیست . استاد نیست . صنعت نیست امنیت اگرچه هست اما آن امنیت کامل که درتمام نقاط مملکت بایدوجود داشته باشدنیست . باید همه اینها کم کم تکمیل‌شود حالا که‌امتیاز این معادن نفت شمال مطرح است باید دانست سنك بزرك نشانه نزدن است و بنده گمان ندارم درایران اشخاصی باشند که اینقدر قدرت وحس و استطاعت داشته باشندکه بتوانند همه‌این معادن تحت نظر خود قرار داده و استخراج کنند بنده که همچو اشخاصی سراغ ندارم شاید آقایان از حوزه وکالتی خودشان بهتر مستحضر باشند وهمچواشخاصی‌را سراغ داشته‌باشند پس‌جمع بین همه‌این است بعد ازآنکه قریب یکسال است آقایان دو این مسئله مذاکره فرموده اند و همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که درکمیسیون عرایض تشریف دارند و از طرف مردم ایالات وولایات ونقاط مختلفهٔ مملکت هم این مسئله‌با مسرت هرچه تمامتراستقبال و تلقی‌شده است واین اقدام وکلا را خوب وشایسته مصالح مملکت دانسته‌اند دراصل مسئله‌بیش ازاین مخالفت ومذاکره‌نکرده ودر مواد مذاکره کنیم بلکه زود تر این نعمت عمومی‌را برای مملکت تهیه کنیم

فرمایش بعضی‌از آقایان راجع بصد ۱۶ یا صد ۱۷ است البته وقتیکه بآن

مورد رسیدیم در آنها هم صحبت خواهیم کرد اما دراین ماده فقط مسئله این است که بعضی‌ازآقایان اظهار کردند که‌باید تمام این ایالات وولایات خمسه داده شود بنده عقیده دارم از این قسمتها یك قسمت را بایدباقی گذارد آنهم بچه نحو ؟ بنحویکه از نقطه نظراقتصاد برای آن مشتری که دولت می‌خواهدبا اومعامله کندضرر نداشته باشد وازنقطه‌نظرسیاست‌هم برای‌ماضرری نداشته باشدبایدیك ولایت را استثنا کنیم وضمناً شرط کنیم که‌اگریك وقتی‌خواستیم نسبت باین ولایت هم با همین شرایط با اتباع خارجه معامله کنیم این کمپانی حق تقدم داشته باشد اینکه عرض کردم با این شرایط نکتهٔ دارد وآن این است که اگریك کسی بواسطه‌یك سیاستی آمدو گفت من صدپنجاه می‌دهم بازاین کمپانی با این شرایط حق تقدم دارد اما اگر تبعه داخله یا دولت خواست استخراج کند مختاراست و گمانم این است اگریك ولایتی‌را برای اتباع داخله بگذارند بهتر باشد وازدولت تقاضا می کنم که‌یك ولایت از این ایالات وولایات را استثنا کرده بترتیبی که‌نه ضرر اقتصادی برای کمپانی ونه‌ضررسیاسی برای ما داشته‌باشد و کمپانی‌را قانع کند ومسئله را ختم نماید که‌هم تبعه داخله‌خشنودشوند وهم معامله شده باشد حالا درسایرمواد که می‌رسیم اگربفرمایش آقای کازرونی صد شانزده کم است صد صد و یا صد چهل بنویسند ولیکن دراصل موضوع همینقدر می‌دانم که‌ایرانی بواسطه نداشتن‌قدرت و اسباب و وسایل لازمه نمی‌تواند تمام این معادن را استخراج کند وتأخیراینکار هم نمی‌دانیم صلاح ما هست‌یا نه ؟ شاید صلاح ما نباشد صلاح ما این است که‌امروزه این معامله را بکنیم و یکجائی را هم باقی بگذاریم که تبعه داخله و آنهائی که ثروت دارند اگر خواستند خودشان استخراج کنند و ما بقی را باین کمپانی با شرایطی که ضرر اقتصادی برای او وزیان سیاسی برای ما نداشته باشد واگذار کنیم واگر کسی‌هم ازاروپا بیاید وبخواهداین امتیاز را بگیرد باو نخواهیم داد چنانکه مکرر آمده‌اند ونداده‌ایم

رئیس — آقای دست‌غیب

(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب — در خصوص اعطای این امتیاز گمان نمی‌کنم کسی‌منکردادن این امتیاز واستخراج این معادن باشد وخیال می کنم‌همه آقایان عقیده دارند که‌این امتیازباید داده شود و اینکه آقای کازرونی فرمودند من عقیده بدادن این امتیازندارم تنها کسی‌هستند که مخالف با اعطای این امتیاز هستند والا هیچکس‌مخالف با دادن امتیاز واستخراج معادن نیست‌زیرا شود دولت که نمی‌تواند استخراج کند اما همانطور که‌آقای مدرس هم فرمودند استخراج یك قسمت از این ایالات وولایات را باید باتباع داخله داد ولی استخراج تمام این معادن را نباید باتباع داخله داد زیرا نه صلاح تجار و سرمایه‌داران است نه‌صلاح دولت مثل خط آهن که بنده‌عقیده‌دارم اگر تجار وسرمایه داران مملکت حاضر شوند و بخواهند با سرمایه وثروت خودشان تمام ایران‌راخط آهن بکشند نباید بآنها امتیاز داد وبنده مخالف خواهم بود چون صلاح نیست که اتباع داخله تمام این معادن را استخراج نمایند پس بناء علیهذا این امتیاز را به خارجه باید داد ۰ آن هم نه باروپائی بلکه بامریکائی باید داد اما کلام دراین است که خیال میکنیم یك‌غفلتی (اگریك عبارتی بانزاکت تراز این کلمه‌هست‌بنده نمی دانم) در این‌جا شده است وآن این است که اول دولت باید این امتیازرا بین اتباع داخله وخارجه بمزائده گذارد وهر کدام که بیشترقبول کردند باو داده‌شود ۰ مخالفت بنده دراین مسئله نبوده که این امتیاز داده نشودبلکه‌معتقدم که این‌امتیاز را باید داد فقط نقطه نظر مخالفت بنده این است حالا که خود ایرانیها حاضرندو در روزنامه ها اعلان کرده‌اند و حاضر برای دادن تضمین‌هم هستند وجداًداوطلب استخراج این معادن شده‌اندباید یك‌قسمت را بخودایرانیها واگذار کرد که استخراج کنند ۰ وتنها اختلافی که بین‌عرض من و فرمایش آقای مدرس است این است که ایشان فرمودند یك ایالت را باید از این قانون‌مستثنی کرد و بداخله داد بنده‌عرض می کنم بیش‌از یك ایالت وولایات‌را باید برای خودمان باقی بگذاریم واز این‌پنج ایالت وولایت که دراین لایحه قانون‌ذکر شده است‌بنده عقیده دارم سه‌ایالت‌وولایت را بخارجه‌داد ودوتای‌دیگر را برای‌ایران هاباقی گذارد

ونسبت بفرمایش آقای شیخ الاسلام که فرمودند مثل این است که دولت‌ایالات و ولایات رابکمپانی‌فروخته است‌استغفرالله دولت هیچ چیز رانفروخته است مسئله‌این است که این امتیاز باید بتصویب مجلس برسد ۰ خلاصه این است که بنده معتقدم این امتیاز را باید داد باین طور که سه تای از این ایالات وولایات به کمپانی آمریکائی داده شود و دو ایالت دیگر برای ملت ایران باقی‌بماند

رئیس — یك مسئلهٔ ایست که‌باید قبلا محرز شود وآن این است که بعضی‌از آقایان پیشنهاد کرده‌اند یك قسمت ازاین پنج ایالت را باتباع داخله بدهند بنده به آن آقایان عرض کردم این‌موضوع‌مربوط بموضوع دیگر است ۰ چون درسابق‌یك قانونی از مجلس گذشت که امتیازنفط به کمپانی آمریکائی‌داده شودا گرمیخواهید این امتیاز باتباع داخله داده شودبایستی راجع به‌آن قانون پیشنهاد کنید ۰ این پیشنهادی کشده راجع بشرایطی است که بموجب قانونی که سابقاً ازمجلس گذشته‌به مجلس پیشنهاد شده است

این مسئله محرز هست یانیست ؟

(جمعی گفتند محرز است)

رئیس — آقای مدرس

(اجازه)

مدرس — این‌یك اجازه پارسال بر سبیل اجمال بدولت داده شد

اما اگر کمپانی پیداشد گفت من همه این‌هارا نمی‌خواهم ولی‌یکی‌دوتا یاچهارتا رابایك شرایطی می‌خواهم .

حالا آن اجمال بوده این‌تفصیل لذا عقیدهٔ بنده این است که این مذاکرات مفصل درشرح‌آن اجازه مجمل است لهذا محتاج بیك قانون و ترتیب علیحدهٔ نیست زیرا ما حالا آن قانون اجازهٔ سابق را تشریح می‌کنیم و بدولت می گوئیم این امتیاز را باستثنای یك‌ولایت تصدیق‌داریم و تصویب می کنیم و گمان نمی کنم این مسئله محتاج بیك لایحه و قانون جدیدی باشد واگر آن اجازهٔ اجمالی را اینطور تفصیل کنیم عیبی‌ندارد .

حالاهم شوراول‌است وهمه پیشنهادها بکمسیون میرود اگر دیدند تباین بینی دارد آنوقت ممکن است علیحده یك پیشنهادی بشود

رئیس - مقصودم راجع بپیشنهاد جنابعالی نبوده شاهزاده سلیمان میرزا پیشنهاد کردند که این امتیاز باتباع داخله داده شود می‌خواهم ببینم این پیشنهادرا باید پذیرفت یانه ؟ واشخاصی که در این موضوع حرف‌می‌زنند خارج‌ازموضوع‌است یا نه ؟

رئیس — آقای سلیمانمیرزا

(اجازه)

سلیمانمیرزا — گمان‌می کنم‌پیشنهاد بنده و آقای مدرس و سایر آقایانی که صحبت کردند یکی است یعنی بعبارت اخری همانطور که و کلاء درجلسات‌عدیده مخصوصاً دیروز که راجع بمنسوجات‌وطنی صحبت کردیم عقیده‌مان متفقاً این بود که باید صنایع و کار های داخله را تشویق کرد و مردم مملکت را به کار واداشت حالا یك‌عدهٔ ازاهالی‌مملکت وتجارچنانچه در روزنامه هم اعلان کرده اند پیشنهاد کرده اند که ما حاضریم دراستخراج این معادن‌شرکت کرده وازمنابع ثروت‌مملکت خودمان استفاده کنیم و حاضریم با همان شرایطی که نسبت بچهار ایالت دیگر به کمپانی داده شده امتیازمعادن را خودمان قبول کنیم .

گمان نمی کنم کسی منکر باشد که اتباع داخله مقدم بردیگران‌هستند وچون مادهٔ اول است می شود در کلیات هم حرف زد ۰

بنده عرض می کنم دراین قانون‌مدت انتخاب اراضی که برای حفرچاه بایدمعین کنند هشت‌سال معین کرده است و همان طور که گفته شد یك دفعه درهرپنج ایالت شروع بحفر چاه نمی کنند و هشت‌سال‌وقت خواهد داشت که اراضی‌را معاینه وانتخاب کنند بنا براین بعقیدهٔ بنده اگر مجلس موافقت کند هیچ ضرر ندارد که امتیازیك قسمت ازاین معادن را باین داوطلبانی که حاضرند باسرمایه خودشان استخراج‌کنند داده‌شود که‌آنهابروند ودرمملکت‌خودشان مشغول کار شوند .

و این مسئله هم ضمناً تشویقی برای تجار وسرمایه داران مملکت می شود که سرمایه خود را بکار بیندازند و درفکر استخراج معادن و ازدیاد ثروت و ترقی صنعت بیفتند وبعداز چندی وقتی مردم و سرمایه داران مملکت دیدند که می‌توانند ازسرمایه‌های خودشان استفاده کنند آنها هم تأسی کرده عوض این که مثل امروزه دلالی کنند بفکر رفع ما یحتاج خود و مملکت و ازدیاد ثروت و ترقی صنعت خواهند افتاد .

همان طور که آقای رئیس‌فرمودند وقتی که بنده عین‌تقاضائی که تجار بوزارت فوائد عامه پیشنهاد کرده بودند ملاحظه کردم دیدم حق باآقای رئیس‌است کهمی فرمایند ماسابقاً یك پنج ماده گذرنده ایم ولی‌همچو نیست که راه تغییر آن بسته باشد آن یك اجازه بوده است ولی وقتیکه‌آن قسمت راتجار قبول کردند ممکن است‌این ترتیب راکمسیون اصلاح کند وبجای پنج ایالت وولایت چهار قسمت رامعین کند و چهار ایالت وولایت‌نوشته شود وهمین‌طور که این پنج ماده یکدفعه دیگر تغییر پیدا کرده باین‌ترتیب که دردفعه اول امتیازمقید بود بعد درتغییر ثانی اعم شد وآن قید از بین رفت حالااهم بااین‌پیشنهادی که بصرفه مملکت است ممکن‌است تغییری داده شود زیرا استثناء یك ایالت از این قانون و اعطای امتیازآن باتباع‌وتجار داخله وسیله وسبب تشویق سرمایه‌داران داخلی‌خواهد بود این بود که‌خواستم مراتب را در این موقع عرض وخاطر آقایان را متوجه کرده کرده باشم که این‌لایحه قانونی امتیازباین ترتیب اصلاح شود یك‌قسمت باتباع‌داخله تفویض شود ودرحقیقت همانطور که‌صحبت شد هیچکس مخالف با اصل اعطای این امتیازبکمپانی آمریکائی نیست زیرامنتهی آمال وآرزوی ما‌این‌است که‌سرمایه‌داران آمریکائی در این مملکت آمده و معادن زیر زمینی مارااستخراج کنندوبهترین‌دلیل موافقت همه آقایان بااین مسئله این است که این پنج ماده درسال گذشته‌در ظرف چند دقیقه از مجلس گذشت ولی باهمه‌این

موافقتها هیچ مانع نیست که یکقسمت‌ازاین ایالات وولایات واراضی نفطخیزرا باتباع داخله که صاحبان حقیقی خانه هستندداده شود والبته‌مقدم‌بردیگران‌خواهندبودمقصود بنده ازاین‌یادآوری‌این بود که اگر کمسیون موافق باشد یکی از این‌ایالات رامتنزع نموده و قانون نسبت بچهار ایالت دیگر نوشته شود و عرض بنده از این پیشنهاد این است‌که نظریه رفقای مجلس را ببینم چیست واگر همه بااین نظریه‌بنده موافق باشند در خارج یك مذاکراتی کرده و یك ترتیبی در این باب اتخاذ کنیم

رئیس - مقصود حضرت والا این بود که تمام ایالات استثناء شده وبه اتباع داخله داده شود یا یکی از ایالات و ولایات

سلیمانمیرزا — بنده یکقسمت‌را عرض کردم وآن هم ازقراری که تجار در روزنامه اعلان کرده بودند وبوزارت‌فوائد عامه پیشنهاد داده‌اند مازندران را انتخاب کرده بودند مقصود بنده این بود که‌البته اهالی وطن وصاحبان خانه‌مقدم بردیگران خواهند بود وچون آنهامازندران‌راخواسته بودند بنده‌هم درپیشنهاد خود مازندران‌را ذکر کرده ام‌حالاممکن‌است دراینخصوص با آنها گفتگو کرد شاید گیلان‌یااستر آباد راقبول کنند ۰اما خراسان‌چندان جای‌نفت خیزی ندارد درهرحال انتخاب این مسئله بسته بتقاضای خودشان است وبنده اهالی داخلی را مقدم می دانم

رئیس — گمان می کنم طریق - صحیحش این باشد آن‌ولایاتی‌را که‌درنظر دارید بتبعه داخله داده شود پیشنهاد کنید که ازاین قانون امتیاز حذف شودغیر از این طریق دیگری‌ندارد

رئیس‌الوزراء — البته آقایان بخاطر دارند که پیشنهاد دولت راجع به امتیاز نفط شمال پارسال تقریباً در همین مواقع بودکه بمجلس آمدقبل‌ازاینکه‌رسماً بمجلس پیشنهادشود ۰

بنده در یکی از کمسیونها مقدمه مطالب‌را مطرح‌مذاکره قرار دادم‌آقایانی که در خاطردارند شاید مسبوق باشند که درهمان موقع هم گفتگو شد که یکی از ایالات خمسه مستثنی‌بشود بعد ازمذاکرات زیاد صلاح ندیدند وگفتند باید تمام پنج ایالت بکمپانی‌امریکائی داده شوددرتعقیب مذاکرات‌ومطالعات‌کمسیون‌دولت‌پیشنهادی بمجلس تقدیم کرد و در نتیجه مذاکراتی که در مجلس شد قانونی از مجلس گذشت آن قانون همین قانونی است که در دست من است ۰

درماده اول این‌قانون‌می گوید‌مجلس واگذار کردن استخراج نفط در ایالات آذربایجان استرا بادو مازندران وخراسان رابکمپانی استاندار اویل‌امریکائی‌باشرایط ذیل تصویب‌می‌نماید ۰

درماده دیگرمی‌نویسد شرایط دیگر این امتیاز برای تغییر سهم دولت‌درصورتی که دولت صلاح بداند وطرز تأدیهٔ‌آن و طریقه‌نظارت دولت‌ایران دراوامر کمپانی وشرایط کنترات کننده امتیاز وسایرشرایط دیگر را برای حفظ حقوق مملکت دولت تهیه وپس از توافق نظر کمپانی مزبوره بمجلس پیشنهاد میکند بعد که این قانون بدست دولت رسید دولت بااستناد باین قانون مأمور بود که بااین کمپانی‌مذاکرات کند ۰مذاکرات دولت‌هم تا اندازه‌بطول انجامید تا یك قانون دیگری از مجلس گذشت ۰ درقانون دیگری که از مجلس گذشت ۰

بنابراین قانون‌تأیید شد ودرآنموقع هیچ‌تغییری دراین قانون داده نشد اگر فرض‌می کنیم که قانون اول‌ازمجلس گذشت ومورد مطالعه برای آقایان بود وبعد از آنکه‌چند ماه ازتصویب قانون اول گذشت ومطالعات کامل درآن شد جا داشت بعد از آنکه‌ثانیاًدرمجلس‌مطرح شود واقع شد تجدید نظری درآن بشود و در کمسیون هم که مذاکره شد این نظر استثناء یك ایالت را قائل نشدند وصلاح ندیدند که تمام پنج ایالت بکمپانی امریکائی داده شود ۰درتعقیب مطالعات کمسیون بالاخره امتیاز تمام‌پنج ایالت‌را بکمپانی امریکائی شد بهمین‌جهت مذاکراتی هم که دولت باکمپانی امریکائی نموده است در زمینه همان قانونی بوده است که بمجلس آمده ودرآن مطالعات عمیقه شده است والبته دولت نمی‌توانست‌باکمپانی های امریکائی غیراز آنچه که مجلس تصویب کرده است مذاکراتی‌بکندواینکه حالاآقایان‌میفرمایند یك ایالت مستثنی شود خود آقایان هم تصدیق می‌فرمایند بعدازآنکه یك قانونی ازمجلس گذشت وقانون دیگری اوراتأیید وتصدیق کرد واین مواد در واقع شرایط فرعیه آن قانون‌است خوب نیست دراصل قانون تردیدی حاصل شود ۰ چرا این عقیده را اظهار می کنم برای‌اینکه‌قانونی که از مجلس گذشت شایسته نیست که در مدت قلیلی یك تغییراتی درآن داده‌شودو درصورت تغییردادن جا دارد که تصوراتی در این موضوع بشود یا بگویند شمااین مطالعه ودقت را چرا قبلا نکردید و در موقع ثانوی که این قانون درمجلس مورد بحث شد چرا این ایرادات بعمل نیامد یا چرا درموقعی که ثانیاً تجدید نظرشداین یك ایالت موضوع نشد ؟ البته تصدیق می‌فرمائید که یك همچوموضوع مهمی‌وقتی ازمجلس گذشت این را بطورجدی تلقی می کند واگر بناشود ماحالا بکمپانی‌به گوئیم یك ایالت مستثنی شود این‌مسئله‌را بطور جدی تلقی نمی کند بلکه اظهارات دولت را باتردید تلقی می کند واین‌خوب نیست ۰ ما می گوئیم یکی از این ایالات را می‌خواهیم به‌تجار داخله واگذار کنیم می گویند در پیشنهاد شرط شده است‌صد سی اسهام به‌تجار داخله فروخته شود ۰ اگر یکی از ولایات مثلا مازندران‌ازاین قانون استثناء شود سدس تمام اراضی نخواهد بود ۰ درصورتیکه آنها حاضرند صدسی اسهام را به تجار وسرمایه داران داخلی واگذار کنند اگر تجار میخواهند در این کار شرکت کنند خوب است در اسهام شرکت کنند و اسهام را بخرند وقتی که ما باکمپانی مذاکره کردیم سه ماه مهلت دادند وقتی که اسهام منتشر می‌شود اتباع وتجار داخله درظرف۳ماه اسهام راخریداری کنندمادیدیم ۳ماه‌خیلی کم است زیرا این‌مدت کافی نیست که‌تمام تجار نقاط مختلفه مملکت اطلاع کافی پیدا کنند از این جهت مدت‌را طولانی‌تر کرده و شش‌ماه قراردادند بعدبنده‌یکسال قراردادم و بنده تصورمی کنم اگرسرمایه داران ایرانی می‌خواهند دراین کارشرکت کنند بعد ازآنکه کمپانی اصلی یاکمپانی فرعی اطلاع داد که من اسهام‌خودم‌رامنتشر کردم ویکسال هم مجال می‌دهم برای اینکه اگر سرمایه داران‌داخلی‌می‌خواهند با اسهام شرکت کنند در اینصورت‌مقصود آقایان که‌حاصل خواهدشد ۰ واین طور البته بهتر خواهد بود تا اینکه دولت را درمقابل یك کمپانی یك دولت مردد وغیر جدی معرفی کنند ۰ ازفرمایش بعضی از آقایان اظهار تأسف می کنم بعدازآنکه پیشنهاد اولیه دولت بمجلس‌آمد وتصویب شده باز حالا دراساس‌مطلب گفتگومیکنند ازجمله آقای کازرونی در آن موقعی که آن پیشنهاد ازطرف دولت بمجلس آمد موافق بودند وحالا اظهار مخالفت‌میکنند و همین‌طور سایر آقایان حتی خود آقای مدرس ۰

مدرس — درآن‌موقع‌ناخوش‌بودم

رئیس‌الوزراء — خلاصه‌برای رفع شبهه بعضی از آقایان‌لازم دانستم‌در پشت تریبون‌این هرایض‌راعرض کنم

مخبر — بنده از اول مذاکره‌در مادهٔ اول درنظر داشتم که عقاید آقایان را یکی‌یکی بدست بیاورم تا جوابی‌اگر هست یااگر تذکری لازم است عرض کنم مسئله انتزاع یکی از این قطعات‌خمسه که اغلب از آقایان تا قبل از اظهارات‌آقای رئیس‌الوزراءباآن موافق بودندودر کمسیون خاصی که مأمور رسیدگی باین‌امتیازقانون بود مطرح شد ویکی ازپیشنهاد کنندگان آقای مدرس‌و حضرت‌والا شاهزاده‌سلیمان میرزا بودند وهردوآقایان هم‌در کمسیون نفط عضویت داشتند در موقعی که این مذاکره در کمسیون بمیان آمد آقایان عقایدخودشان‌را اظهار کردند ۰ اولاآقایان رامتوجه می کنم بعدازتوضیحاتی که آقای رئیس‌الوزراء دادند یك‌صورت توافقی در کمسیون نسبت باین‌نظریه پیدانشد نه‌این است که بنده باکمسیون مخالفم که سرمایه داران وتجارایرانی شروع باستخراج این معادن بکنند یااینکه اتباع داخله را مقدم بر دیگران بدانیم ۰ خیر این مسئله مسلم متفق‌علیه همه است‌وهمه ماهاهم‌در کمسیون موافق با این نظریه بودیم ولی فقط دو نکته بود که در کمسیون مانع ازانجام این اقدام شدنکته اول ومهمتر ازهمه همان‌بود که اول‌آقای رئیس تذکر دادند وبعد در تعقیب آن‌آقای رئیس‌الوزراء یك‌اظهاراتی فرمودند ۰

چون‌قانونی که سابقا ازمجلس گذشته بود ودومرتبه هم درهمین مجلس تحت‌شور ومطالعه در آمده بود اعطای امتیاز نفط ایالات‌خمسه رابکمپانی آمریکائی تصویب کرده بود ۰البته بنده هم‌بانظریه آقایانی که می‌فرمایندیك‌قانونی که ازمجلس گذشته توسط همان مجلس قابل تغییراست موافقم وگمان نمی کنم هیچکس در این مسئله تردیدی داشته باشد ۰اما ضمنا یك مطلب دیگری هم‌هست که‌آن راهم‌نباید فراموش کرد وآن این‌است که یکوقتی است‌قانون برای اتباع داخله مملکت نوشته می شود درآن صورت البته و کلاء ومبعوثین آنها می‌توانند دریك موقعی ازنقطه نظراصلاح قانون وصرفه مملکت‌موادآن‌را تغییربدهند وآنها هم‌البته هیچ نوع شکایتی نخواهند داشت ولی یك‌وقتی است که مجلس‌شورای ملی یك قانونی می گذراند که صورت کنترات دارد ۰اینکه عرض می کنم‌صورت کنترات یعنی چه ؟ یعنی دوطرف پیدامی کندوهرچیزی که شامل‌دوطرف شدمطابق قوانین تمام دنیا و اصول مسلمه در موقع تغییررضایت‌طرفین‌راملاحظه‌ورعایت‌خواهند کرد ۰ تصورنفرمائید مفهوم این‌عرض بنده این‌است که این‌قانونی که حالا گذشته دو طرف پیدا کرده است ؟ خیراین‌طورنیست مافقط بدولت اجازه داده‌ایم که یك‌امتیازی رابدهد ولی‌هنوزامضای دولت‌یایك کمپانی خارجی درذیل امتیاز نیامده‌است که‌صورت حقیقی یك قرار داد و کنترات راپیدا کند یعنی هنوزآن جنبه دوطرفی‌را پیدانکرده است ۰این‌مسئله راتصدیق‌دارم ولی‌آقایان هم‌باید بدانند دولت یك مملکت یاهیئت مجریه یك‌مملکت ۰هیئت رسمی یك‌مملکت که مسئول سیاست‌وروابط خارجی بامالك دیگر واتباع‌آنها است وقتی باستناد یك قانون مصوبه مجلس پنج‌ماه شش‌ماه ده‌ماه یك سال بایك کمپانی داخل مذاکراتی شدوآن‌مذاکرات پیوسته درزمینه اعطای امتیازدرپنج ایالت‌بود یك‌نوع الزام‌اخلاقی والزام عملی برای آن دولت طبعاً ایجاب می کند ولوآنکه امضای دولت هنوز بپای

آن قرارداد امتیاز نرسیده است • باین جهت آقای رئیس الوزراء در کمسیون باانتزاع واستثناء یکی ازقطعات خمسه مخالف بودند و کمسیون هم ماده قانونی را بطوری که ملاحظه می فرمائید بمجلس تقدیم کرد بنده هم نظریه کمسیون توضیح دادم • ولی تصور می کنم برای این که نتیجه حاصل شود و ضمناً حیثیات و الزامات اخلاقی دولت هم محفوظ بماند یك راه دیگری است وآن بنظرمن این است که چون حالا ما درشور اول این قانون مذاکره می کنیم و ناچار مذاکرات هم تاشوردوم قدری بطول خواهد انجامید ممکن است دراین مدت این تمایلات وعقاید آقایان که برای انتزاع یك ایالت ابرازمی فرمایند بگوش کمیانی داوطلب برسد ووقتی که دولت بآنها اظهار کند که تمایلات ملی بر انتزاع و استثناء یکی از ایالات خمسه است آنوقت خودشان باکمال میل و رضاوازروی رغبت حاضرخواهند شد برای این که موافقتی حاصل شده باشد یکی از ایالات رابراش اتباع داخله باقی بگذارند اگرقضیه باین طریق حل شود البته دیگر هیچ نوع اشکالی برای دولت و مجلس باقی نخواهد ماند وآن محظور دولت هم مرتفع خواهدشد وسایرین هم راضی میشوند ومامهم بوظیفه خود عمل کرده ایم یك نکته دیگری هم دراینجا هست که بایستی خاطر نشان کنم اینکه امروزما دراینجا رای می دهیم امتیاز نیست قانونی است که امتیاز باید مبنی بر این قانون باشد پس از آنکه ما در مجلس توافق پیدا کردیم واین مواد را تصویب کردیم بایستی دولت این قانون رابصورت امتیاز دربیاورد وبا کمپانی های آمریکائی که داوطلب باشند در زمینه این شرایط مذاکره کنند بعداز آنکه در این مواد توافق حاصل شد بموجب ماده دیگر این امتیاز آن کمپانی که اسم ورسم اومعین خواهدشد برطبق مقررات این قانون داده می شود مااین قانون را برای این نمی نویسیم که بالاخره یك روزی امتیازشود اگر ما این قانون رابرای این می نویسیم که از حیز عبارت و ماده و حرف خارج شود ودر دنیای عمل واقع شود بایستی در نظر بگیریم که یك طرف مقابل دیگری لازم است که از ما آن راقبول کند باین ملاحظه بنده تصور می کنم اگر بهمین تذکراتی که داده شده اکتفا کنیم وصبر کنیم که در اطراف نظریات ما دولت مذاکرات وصحبت هائی بکند و شاید از طرف خودآن ها اقدام شود که یکی از ایالات را استثناء کنند این بهتر است یك تذکر دیگری هم بنده لازم میدانم آقای رئیس الوزراء صدسی راتذکر دادند واین صحیح بود زیرا صدسی در شرکت بیشتر ازیك قسمت درقطعات است وشاید همان منفعت راداشته باشد ولی علاوه بر این در این قانون یك ماده پنج هم داریم پس از یك مدت معینی صاحب امتیاز بایددر تمام این ایالات وولایات خمسه آن قسمت از اراضی را که برای عملیات واستخراج می خواهد باید نقشه اش را کشیده و بدولت بدهد یعنی پس از آنکه بموجب این قانون شمایك امتیازی دادید نسبت بیك قسمت از آن ایالات و ولایات خمسه که از صد پانزده بیشتر نباید باشد دراینصورت صد پانزده می نماید برای کمپانی وصدهشتادو پنج باید بدولت بر گردد ودولت میتواند حق امتیاز وانحصار آن هارا بدیگران اعطاء کند •

حالا آقایان خواهند فرمود آن ها بصیرت واطلاعات دارند و درآن قسمت صد پانزده اراضی نفط خیز رامی برند و برای ماچیزی باقی نخواهند گذاشت این نظریه صحیح است وبنده هم تصدیق دارم ولی ممکن است مملکت ماهملکتی باشد که حدود نفت خیزش خیلی بیشتر از تناسب پانزده بصد باشد در هر صورت نظر کمسیون این بود که عرض کردم ولی خود بنده جمع بین این دو نظر راعقیده داشتم زیرا که امروز مارای نخواهیم داد وپیشنهاداتی هم که می شود باید بکمسیون بر گردد وتحت مطالعه بیاید بنده هم نظر بدستورالعملی که از کمسیون گرفته ام هر پیش نهادی که درموضوع این مواد بشود خواهیم پذیرفت اعم ازاینکه عملی باشد یا نباشد زیرا این مسئله مسئله مهمی است واین امتیاز قانونی که می گذرانیم یکی ازمسائل فوق العاده است بایددر آن خیلی دقت شود بطور کلی هرپیش نهادی که داده شود از عملی وغیر عملی همه را خواهیم پذیرفت برای اینکه بکمسیون بر گردد وبا حضور پیش نهاد کنندگان مذاکره شود ودر این ضمن فرصت پیدا خواهد شد که مشتریان باین احساسات وعقاید سابقه پیدا کنند و چون آنها یك اشخاصی هستند که غرض سیاسی ندارند ونقطه نظرشان اقتصاد و تجارت است •

تصورمی کنم خود آنها اشکالی نخواهد کرد وقبل ازاینکه ازاین کرسی بروم این نکته را هم تذکر می دهم علاوه برآن ها در کمسیون خارجه که هم بنده عضوآن بودم وهم شاهزاده سلیمان میرزا وهم آقای مشیرالدوله درموقعی که ماهنوز درآنجا با یك سکوت خیلی عمیق ودقت های خیلی زیادی بدون اینکه افشا شود صحبت امتیاز به کمپانی امریکائی را می کردیم درآنجا موضوع بعث چهار قسمت بیشتر نبود وما اعضاء کمسیون نظر به یك ملاحظات ونکات سیاسی که نباید ازنظر فراموش کنیم امروز که مواجه با تقاضا وتوقع یك عده تجار واقع شدیم نظر بیك نکات سیاسی آقای رئیس الوزراء را الزام کردیم آن قسمت را هم داخل کنند ویك چیزدیگری را هم عرض بکنم برای اینکه درمواد دیگرهم برای آقایان یك اطلاع کافی باشد وآن این است که دریکی ازمراکزمهم این شهر یك مرکز ذینفع وذیعلاقه امتیاز بالاختصاص مذاکره بوده وبطورخیلی جدی یك شخص بصیری ازاعضاء آن مرکز بمصاحب خودش اظهار داشته بوده است که من این قانون را که ازمجلس وکمسیون گذشته مطالعه کرده ام وتصورنمی کنم ممکن شود هیچ امتیازی باین سختی واشکال درزیر دست یك اشخاص بصیری گذاشت بنده دراطراف این مسئله دوقضیه را فکر کردم یکی اینکه شاید باین صرف می خواهند ما را گول بزنند ولی یك فکر دیگری هم برای بنده پیش آید وآن این است که شاید درضمن شوردر کمسیون واصلاحاتی که یامی کردیم بدون اینکه یك مسائل عملی را در نظر بگیریم یك چیزهائی نوشته شده ازقبیل پیشنهادات استاندار وسیکلر را که بدولت ایران داده شده بود با امتیاز نفط چك و اسلاوی که ترجمه شده ونزدآقایان هست مقایسه کردیم •

چیزی که بنده از شنیدن این حرف استنباط کردم این بود که کلیة تمام منافعی که دراین امتیازات حتی نفط چك واسلاوی هست رعایت شده وما برای امتیاز خودمان معین کردیم ودرنظر گرفتیم •

آقایان تصورمی کنند منافع صدهفده است •

بنده تناسب صدپانزده وصد شانزده را چیزفوق العاده نمی بینم منافع یك امتیازی برای مملکت فقط پولی که عاید مملکت می شود نیست منافعش درقسمتهای دیگر است مخصوصاً نسبت به نفط و بنزین و رضایت کمپانی بفروش آنها باندازهٔ حوائج صنعتی مملکت •

بنده تصورمیکنم که بایستی در نظر بگیریم این قانون درمجلس که اصلاح کردیم اقصی درجه نفع خود را رعایت نمائیم با این نظر که مشتری هم برای این کار پیدا کرده باشیم •

رئیس — در عرایض بنده اشتباهی نشود غرض بنده این نبود که شمانمیتوانید یکی یادوتا ازاین ولایات را از اینجا انتزاع کنید • مقصود عرض بنده هم این نبوده که شما مجبورید این امتیاز را به کمپانی آمریکائی بدهید که قانون سابق الزامی باشد • برای اینکه مادام که معامله بین الاثنین واقع نشده و پایش امضاء نشده الزامی نخواهد بود الزام وقتی است که ایجاب و قبولی باشد هنوز آن ایجاب وقبول واقع نشده وپای آن معامله هم امضاء نشده است ولی هر گاه بخواهید یکی از این ولایات را انتزاع کنید باید بهمان ترتیب که عرض شد پیشنهاد بفرمائید و یك چیزی هم راجع بقانون سابق با پیشنهاد شود •

آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا — شاهزاده نصرة الدوله فرمودند در کمسیون خارجه آنوقت الزام کردند که چهار قطعه پنج قطعه شود و فرمودند که بنده هم عضوآن کمسیون بودم وقتی که بصورت جلسات آن تاریخ ملاحظه بفرمائید می بینید وقتی که این مطلب میگذشت بنده مثل اغلب اوقات دچار تب ۴۰ درجه بودم و در کمسیون حضور نداشتم وبدون حضور بنده مطلب گذاشته است صورت جلسات کمسیون حاضر است

رئیس — آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده — بعضی از آقایان فرمایشاتی فرمودند و مخصوصاً آقای قوام السلطنه گفتند صحیح نیست قانونی که از مجلس گذشته تغییر پیدا کند بنده هم کاملا با این مسئله موافقم بگویم بلکه عقیده دارم که قوه قانون مافوق قوای تمام مملکت است • خوب نیست که احکام رازودتغییر و تبدیل داد خصوصاً قانونی که از تصویب مجلس گذشته باشد ولی این مسئله مانع ازاین مذاکرات نیست پس از آنکه این ۵ ایالت وولایت بکمپانی آمریکائی داده شود بموجب ماده ششم این قانون کمپانی ملزم نیست که تا ۵۰ سال دیگر بیش از ۲۵ چاه حفر کند دراین صورت از مابقی اراضی ممکن است استفاده کرد ولی ما باید در موقعی که قانون می گذرانیم این مسئله را پیش بینی کنیم که اگر بنای احتکار شد خودمان احتکار کرده باشیم ودرماده پنجم که ۸ سال مدت برای نقشه برداری و تفتیش معین شده ممکن است شرط کنیم آن ۲۵ چاهی را که عهده دار شده است در مدت ۵۰ سال حفر کند برای هر چاهی محلی معین کند ومابقی اراضی برای استفاده اتباع داخلی آزاد باشد و اگر چنانچه دولت ایران خواست بغیر اتباع داخلی اجازه استخراج آن را بدهد با تساوی شرایط کمپانی که بدواً برای تفتیش واستخراج آمده حق اولویت داشته باشد اگر او قبول نکرد بغیر از کمپانی آمریکائی داده شود که هم نظریات سیاسی حضرت والا که فرمودند در کمسیون ۴ ایالت را به ۵ ایالت تبدیل کردند محفوظ باشد و هم حقوق اتباع داخلی ایران پایمال نشده باشد و من چون شوراول است فرصت نکردم کاملا دراین قانون مطالعه کرده وبامواد امتیاز نفت جنوب و امتیاز خوشتاریا و دیگران مطابقه کنیم

(بعضی گفتند — امتیازی به خشتاریا

داده نشده است)

حائری زاده - خیلی خوب دولت یك کار غلطی کرده است در هر صورت من فرصت نکردم مواد این امتیاز را با مواد آن مطابقه کنم

رئیس — آقای حاج میرزا مرتضی

اجازه

(حاضر نبودند)

رئیس — آقای سردار معظم

اجازه

سردار معظم کردستانی — بنده باماده اول مخالفت داشتم و می خواستم شرح مفصلی عرض کنم ولی چون می بینم درباب این قضیه موافقین و مخالفین مذاکرات زیادی کرده اند و نمی خواهم وقت عزیز و گرانبهای مجلس را اتلاف کرده باشم بطور اختصار عرض می کنم اگر بخواهیم خوان نعمتی را بگسترانیم همانطور که خارجی و بیگانه را دعوت می کنیم عائله خودمان هم حق خواهند داشت ولی بعداز آنکه آقای رئیس الوزراء و مخبر توضیحاتی دادند واشاراتی کردند تایك اندازه مجالتاً بنده ساکت هستم تا به بینم در ضمن این پیشنهادها در کمسیون چه نظریاتی اتخاذ میشود وچون فرجه هست بقیه عرایضم را مجالتاً برای شور ثانی می گذارم

رئیس — آقای محقق العلماء موافق هستند؟

محقق العلماء — بنده هم با آن دو قسمتی که پیشنهاد کرده ام که بعضی قسمتها را بفرمایش مقام ریاست حذف کنند موافقم

رئیس - آقای آقاسید فاضل

(اجازه)

آقاسید فاضل - بنده خواستم شرح مفصلی ازخوبی این امتیاز عرض کنم ولی حالا یك موضوع مهمتری پیش آمده است که بنده ازآنها صرف نظر می کنم حقیقتاً بنده می بینم بین قانون اجمالی که اول بدولت اجازه داده بودیم باتوسعهٔ که بعد داده شد هیچ منافات ندارد ولی عجالتاً در آن مسئله وارد نیستیم و عقیدهٔ بنده این است که اگر می دانستیم ایرانی ها می توانند ازعهدهٔ استخراج این معادن برآیند غیره را دعوت نمی کردیم وچون می دانیم نمی توانند از عهدهٔ استخراج این طلای زرد یا گوهر شب چراغ یا هرچه هست بیرون بیایند این کار را کردیم اما فعلا چون خود آنها حاضرند که یکی ازولایات بآنها داده شود بنده هم پیشنهاد کرده ام وبحضور محترم آقای رئیس تقدیم کرده ام وقائل باستثناء هستم که یکی از ولایات سه گانه مازندران • گیلان • استرآباد استثناء شود نهایت این است که اگر دولت خواست آن ولایت را بخارجه بدهد باتساوی شروط این کمپانی حق تقدم داشته باشد و بنده بهیچ وجه منافاتی بین این استثناء و آن قانون مجملی که گذشته است نمی بینم زیرا مطابق این قانون مجمل بدواً بدولت اجازه داده شد با کمپانی استاندار داویل داخله مذاکره شود وفقط معلوم است طرف ما کمپانی امریکائی است ولی نمی دانیم کدام یك این استثناء را قبول می کنند این هم متعلق است براینکه دولت بنشیند ومذاکره کند وبسا هست که مشتری پیدا شود که با استثناء همراه باشد ولی صحبت دراین است که کدام قسمت را باتباع داخله تخصیص بدهیم خلاصه بنده کمال موافقت را با اعطای امتیاز معادن نفت شمال دارم وخودم را خوشبخت می دانم که در دورهٔ چهارم هستم واین مطلب مهم می گذرد ولی باید مشروط باین شرط بشود که یکی از ولایات سه گانهٔ استراباد و گیلان ومازندران را باختیار کمپانی مستثنی نمایند و در صورتی که دولت بخواهد این قسمت را بغیر ایرانی ها بدهد با تساوی شرایط کمپانی حق تقدم داشته باشد وپیشنهادی هم بنده در این زمینه کرده ام واین که آقای مخبر فرمودند من مکلفم پیشنهادات را قبول کنم بدیهی است در شور اول هر پیشنهادی بشود بکمسیون میرود ولازم نیست مخبر قبول کند •

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم درمسئله استثنای یك ولایت عرضی داشتم ولی چون بقدر کفایت مذاکره شد دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای رفعت الدوله

(اجازه)

رفعت الدوله - پارسال که بنده بعتبات مشرف شدم در بین النهرین بودم که اخبار امتیاز نفت شمال درآنجا منتشر شد و خیلی اسباب مسرت تمام ایرانی ها حتی اعراب گردید و بطور خوبی تلقی کردند والبته این کار باید بشود واینکه آقای کازرونی می فرمایند برای خود ذخیره نگاهداریم ذخیره تاوقتی که عائد انسان نشود فایده ندارد ومثل چاه کنده می ماند که خیلی فراوان است آخر تا کی وبرای کی ما نگاه بداریم و تا کی باید دچار این فقر اقتصادی باشیم وبعقیدهٔ بنده این کار خیلی خوب است ودولت باید باسرع اوقات مذاکره کرده ووسایل این کار را فراهم بیاورد ولی در باب استثنای یك ولایت بنده هنوز مردم ونمی توانم ایرانی را محروم کنم ولی ازآنطرف آن صدسی هم که آقای رئیس الوزراء توضیح دادند سهم ایرانی ها می شود این است که بنده در آن قسمت هنوز نمی توانم تصمیم خودم را عرض کنم •

رئیس الوزراء - متأسفانه با توضیحاتی که داده شد مذاکرات طولانی شد یك قسمت مذاکره شد که بنده عرض کرده ام درقوانینی که سابق ازمجلس گذشته یك الزام و اجباری برای دولت و مجلس هست غرض بنده این نبود البته مجلس می تواند یك قانونی را وضع کند و بعدرا آن نسخ نماید وقانون دیگری وضع کند مثل این که اول یك قانونی وضع شد وبعداز چندماه دیگر یك تغییری داده شد حالا هم ممکن است این پیش نهاد بهمان صورتی که از کمسیون گذشته بگذرد و دولت داخل مذاکره شود ولی قبل از این که امضاء شود مجلس تردیدی کند وبازهم بنده حاضر هستم با کمپانی ها داخل در مذاکره شوم غرض بنده این بود قانونی که ازمجلس گذشته نباید زودزود تغییر وتبدیل پیدا کند وتوضیح هم دادم و اگر قانون اول بفوریت گذشته است درتجدید نظری که ثانیا در آن قانون فرمودید وقت و فرصت برای مطالعه بوده است خوب بود درآن موقع این تغییرات رامی دادند ودولت داخل مذاکره می شد ولی اساس مذاکرات دولت برروی اعطای امتیاز دراین ایالات وولایات خمسه بود بنده عرض کردم حالا اگر تردید بشود این مذاکرات رابطور جدی تلقی نمی کنند ومی گویند یك دولتی باماطرف است وداخل مذاکره می شود که هنوز در اساس امر مطالعات کافیه نکرده ممکن است اعتراضات بدولت بشود در صورتی که شمامطالعات کافی نکرده اید چرا باما داخل درمذاکره می شوید مقصود بنده این توضیح بود والبته رای رای مجلس است وهرچه مجلس تصویب کند دولت هم مامور اجرای آن است تعجب دیگر بنده از آقای آقاسید فاضل است که می فرمایند اعطای این امتیاز بکمپانی آمریکائی خیلی خوب است واسباب سعادت ایران است ولی بعد می گویند یکی ازولایات مستثنی شود مثل اینکه بیکی ازآن ولایات یك نظر مخصوصی دارند که نمی خواهند سعادتمند شود اگر شما اسباب سعادت می دانید دلیل ندارد یك ولایت را استثناء کنید بنده باز توضیح می دهم در صورتیکه صد سی اسهام برای سرمایه داران تخصیص داده شده است دیگر این نگرانی مرتفع است •

رئیس • آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله • بنده نسبت باین قسمت که یکی ازاین پنج ولایت برای خود ایرانی ها بماند موافقم در کمسیون هم اساسا در این مطلب اختلاف نظری بود واگر چه باکثریت تصویب شد ولی مخالفین بمخالفت خودباقی بودند • •

نصرت الدوله — اختلاف درروبه بود نه در اساس •

حاج شیخ اسدالله - اما بنده عقیده دارم که درهرقضیه نباید انسان افراط وتفریط را رویه خودش قرار دهد نه آن حرارتی که آقای مخبر دفاع می کنند ازاین قانون که می فرمایند فلان شخص در فلان جلسه گفته است این قانون سخت ترین قوانین است آنوقت برای خاطراینکه نظریات خودشان را بمجلس بقبولانند این قانون را که امروز وضع می شود قانون خیلی سختی تصورمی کنند ویك چنین امتیازی اگر صورت پیدا کند درهیچ جای دنیا همچو امتیازی داده نشده است درصورتیکه راجع بامتیاز نفط چك واسلواکی باستانداردداویل داده بودند ملاحظه فرمودید چه استفاده ها و امتیازاتی دولت چك اسلواك درآن امتیاز گرفته بود که ده یك آنرا مادراین قانون ذکرنکردیم اگرچه حالا خواهند فرمود یك چاهائی بوده است و یك امتیازات محلی در نفت چك و اسلواك بوده است لکن این را هم بنده نمیتوانم تصدیق کنم که یك قانون سهلی را قانون صعبی بدانم وتصورمی کنم بهر کس داده شود نمیتوانند ایراد بگیرند که این قانون غیرعملی است در صورتیکه یك قسمتش را مجزا کنیم بازهم نمی توان گفت غیر عملی است پس بنده آن فرمایشاتی را که آقای مخبر در پشت تریبون برای تشویق ما فرمودند عقیده نداشتم وتصور نمی کنم در کمسیون خارجه هم که اشاره فرمودند یك نظریه سیاسی باشد که ما مجبورباشیم یك قطعاتی ازمملکت خودرابدهیم بکمپانی های خارجی هیچ سیاستی نیست ویك امتیاز تجارتی و اقتصادی است حالا اگرخصوصیاتی دربین هست بنده نفهمیده ام واگرایشان هم تصور کرده اند بنده رد می کنم پس نظر باین مسئلهٔ اقتصادی اعطای امتیاز بیك کمپانی برای مملکت ما خوب است و بنده دراین ماده نمی خواهم نسبت بکلیات بطورمفصل عرایضی بکنم فقط اگر یك قسمت را بگذاریم برای ایرانیها ومابقی را بکمپانی امریکائی بدهیم تصورمی کنم هم از نقطه نظراقتصاد وهم ازنقطهٔ نظرصلاح مملکت وهرنظری که تصور کنید برای ملت ایران نافع است وآن صدسی هم که درآن امتیاز داده شده درصورتیکه آن امتیاز تصویب وباکمپانی قطع شود باز آن صدسی غیر معمولی است زیرا صد پنجاه یا صد چهل ویا صد بیست وپنج میدهند که ملت آن مملکت درآن امتیاز شرکت کنند پس آن هم بجای خودش یك تحمیلی نشده است که چون صدسی اسهام رابما می دهند درتمام

حق مملکت صرفنظر کنیم و با این مذاکراتی که هست و با این اشخاصی که داوطلب شده‌اند برای استخراج نفت و اعلان کرده‌اند بنده معتقد هستم که تجار را تشویق کنیم و بآنها مساعدت نمائیم و بکار وادار یم حالا بنده فرق نمی گذارم که گیلان باشد یا مازندران یا استراباد البته در موقعش یکی از این قطعات باید استثناء شود و بدهیم به تجار ایرانی و آنهارا بکار کردن وادار یم و درصورتی که تجار نتوانسته اند یا وارد این عمل نشدند بازیك ضرری نکرده‌ایم زیرا ما دراین پیشنهادی که شده است و صحبت شد تصریح می کنیم که اگر بخواهیم امتیاز این قطعه از اراضی را بخارجه بدهیم این کمپانی با تساوی شرایط مقدم بر دیگران باشد اما آن قسمت‌های دیگرش را که این قانون سابقاً وضع شده خود آقای رئیس فرمودند چون یك مبادله قراردادی بین دولت و کمپانی خارجی نشده مجلس می تواند تغییر بدهد واصلاح کند و قانون دیگری وضع کند عملیات ما هم محدود نیست که بگوئیم یك قانونی وضع کردیم و بدولت اجازه دادیم بایك کمپانی آمریکائی داخل مذاکره شود. در آن لایحه نظرم هست مجلس شورای ملی بدولت اجازه داد با کمپانی های امریکائی راجع باین قطعات داخل مذاکره شود حالا یك قانونی دولت پیشنهاد کرده و می خواهیم از مجلس بگذرانیم ورسمیت بدهیم و قسمت اخلاقی که فرمودند بنده تصدیق می کنم و باید ملاحظه آن قسمت حتی المقدور بشود ولی قسمت اخلاقی ما را مجبور بیك ضرر اقتصادی نمی کند که ما تحمل یك ضرر اساسی را بکنیم برای این که یك صحبتی شده درصورتی که امر قطعی نبوده این است که بنده باسایر آقایان موافق هستم که یك قسمت از این ۵ قسمت بخود اهالی ایران واگذار شود و استثناء شود و ٤ قسمت دیگرش را بکمپانی آمریکائی بدهند بنده تصور می کنم خود آنها هم بچهار قسمت راضی شوند البته تا شور دوم که از کمسیون بر می گردد دولت با کمپانی های آمریکائی مذاکرات کرده و امیدوار هستیم که خود آنها متقاعد شوند و ما نباید بیشتر از آنها اظهار حرارت کنیم

مخبر- اولا خدا رحم کرده است آقای حاج شیخ اسدالله عضو کمسیون هستند و حال آنکه با دفاع مخبر از کمسیون ایرادی کنند در صورتی که خودشان می دانند بهر ترتیبی که می توانند باید مدافعه کنند و یك مطالبی فرمودند که بطور خلاصه بنده عرض میکنم اشتباه نشود در کمسیون اختلاف نظر مادر اساس نبوده و هیچکدام نمی - گفتیم اگر تجار ایرانی میتوانند این کار را بکنند بآنها ندهیم منتهی در جزئیات اختلاف بود مسئله دیگر که فرمودند این بود که این ترتیب دلیل بر این است که ما از مملکت خود صرفنظر کنیم از کجا صرفنظر کنیم اگر بنا باشد از یك ذرعش صرفنظر کنیم ابداً این امتیاز را نمی دهیم و راجع به عملی بودن قانون هم بنده عرض نکردم غیر عملی است اگر غیر عملی و غیر قابل الاجرا بود بنده قبول نمی کردم و مخبرش نمی شدم منتهی بنده خواستم عرض کنم که منتهای دقت در کمسیون شده است و ما این لایحه را با سایر قوانین و امتیازات مقایسه کردیم مگر شما نمی خواهید تمام آن تسهیلاتی که در سایر ممالك هست در مملکت ایران هم بشود بنابراین این یك قانون خوبی است و رعایت مصالح و منافع مملکت خودمان را کرده‌ایم و حاضر نشده ایم از یك منافع مشروع و صحیحی صرفنظر کنیم و بنده هم نگفتم غیر عملی است که نتیجه‌اش این بشود که در خارج بیایند بدولت بگویند یکی از وکلاء که مخبر بوده در خود مجلس گفته است این قانون غیر عملی است بنده عرض کردم دراین قانون نهایت دقت و مواظبت شده است که منافع مشروع مملکت حفظ شود واین وظیفهٔ ما است و هیچکس هم نمی تواند بما ایراد کند چرا این کار را کردید حالا هم که بمجلس می آید آقایان با یك نظریات بیشتر و بهتر آن منافع را حفظ می کنند فقط چیزی که بنده عرض کردم این بود که ما باید منافع عملی خودمان را تطبیق کنیم که یك طرف مقابلی هم داشته باشیم واین نظر تمام آقایان است.

رئیس- مذاکرات کافی است

(جمعی گفتند کافی است)

حاج میرزا علی محمد- چون مطلب مهم است بنده مذاکرات را کافی نمی‌دانم اگر آقایان کافی می‌دانند رأی بگیرید.

رئیس الوزراء - آقای حاج شیخ اسدالله نمایندهٔ محترم یکی از اعضاء کمسیون نفت هستند ودر کمسیون هم وقتی مذاکره می کردیم ایشان همین اشکالات را اظهار کردند ومیل نداشتند که مجاب و متقاعد شوند حتی گاهی تصور می‌شد ایشان لجاج وتعندمی کنند حالا هم همان نظریات را تکرار می کنند وحال آنکه خود ایشان یکی از طرفداران این امتیاز بودند ورای دادند پنج ایالت ولایت بکمپانی امریکائی داده شود حالا می گویند از نقطه نظر منافع ایرانی بایستی یکی ازولایات مجزا شود بنده باز توضیح می‌دهم که مجلس این حق را دارد ولی بیك ملاحظاتی که عرض کردم مقتضی نیست این کار بشود ونخواستم سلب حقی کرده باشم نقطه نظر آقای حاج شیخ اسدالله و سایر نمایندگان این است که برای منافع اتباع ایران یکی از ولایات استثناء شود بنده عرض کردم منافع اتباع ایران با اشتراك صدسی تأمین شده است واگر تصور می کنید این صد سی کافی نیست حق دارید پیشنهاد کنید صد سی وپنج صد چهل یاصد پنجاه بشود هرچه بخواهید اضافه کنید منتهی همانطور که آقای مخبر فرمودند طرف دیگری هم هست وباید دید طرف پیشنهادات شما را قبول می کند یانه در هرحال اگر باین ترتیب وارد مطلب شوید ومنافع اتباع ایران را در نظر بگیرید بهتر است که دولت مذاکرات خودرا باآن کمپانی ها باستناد قوانینی که در دست دارد تعقیب کند و برای دولت هم شایسته تر است در این صورت بنده تقاضا می کنم دراین موضوع توجه بفرمائید و بمذاکرات خاتمه بدهید تا ترتیب دیگری را در نظر بگیرید که موضوع تجزیهٔ یك ولایت مرتفع شود. عرض کردم بیك جهاتی مقتضی نمی دانم ولی باز عرض می کنم مجلس حق دارد یکی از موادش یاتمامش را نقض کندولی اگر مقصود تأمین منافع اتباع ایران است بطرز دیگری می توانند تأمین کنند

رئیس- رای می گیریم بکافی بودن مذاکرات. آقایانی که مذاکرات را کافی می‌دانند قیام فرمایند

(عدهٔ قلیلی قیام نمودند)

رئیس- معلوم می‌شود کافی نیست. بقیه مذاکرات می‌ماند برای جلسه آتیه

معاون وزارت عدلیه - تقاضا می کنم قانون هیئت منصفه جزء دستور جلسه آتیه شود.

رئیس- دراین باب مخالفتی نیست

(بعضی گفتند خیر)

رئیس- آقای شیخ الاسلام

(اجازه)

شیخ الاسلام- چون لایحه مستمریات از کمسیون بودجه گذشته وطبع و توزیع شده است پیشنهاد می کنم جزء دستور بشود

(بعضی گفتند صحیح است)

رئیس- جزء کدام دستور بشود

شیخ الاسلام - جزء دستور جلسه آتیه بشود

رئیس- لایحه نفت و قانون هیئت منصفه ومسئله مستمریات هرسه جزء دستور می شود

نصرت الدوله- بنده از آقای رئیس الوزراء سئوالی داشتم وخاطرشان را هم مسبوق کرده‌ام

رئیس- بفرمائید

نصرت الدوله - در بی‌سیم های مسکو یك اخباری راجع بعدم پیشرفت مذاکرات تجارتی دیده می‌شود که خیلی باعث تأسف وتأثر است زیرا مدتی است عهدنامهٔ تجارتی امضاء شده

رئیس الوزراء- عهدنامهٔ تجارتی هنوز امضاء نشده

نصرت الدوله- بلی اشتباه کردم مدتی است عهدنامهٔ مودت و دوستی بین دولتین امضاء شده است و هیئتی بمسکو رفته است برای عقد عهد نامهٔ تجارتی و تطبیق مواد آن عهدنامه ولی دراین مدت هیچ نتیجهٔ حاصل نشده وبلکه حالا می‌بینم که در بی‌سیم های مسکو اخباری میرسد مثل این است که یك تزلزلی درمذاکرات بین نماینده ایران و دولت روسیه راجع بانعقاد عهدنامه های تجارتی پیدا شده در صورتی که این مسئله طرف احتیاج عامهٔ اهالی مملکت و هرچه زودتر باید بیك ترتیب دوستانه این عمل انجام بگیرد می‌خواستم از آقای رئیس الوزراء سئوال کنم که اگر اطلاعاتی نسبت باین مسائل دارند بفرمایند که درمجلس آقایان مسبوق شوند زیرا تصور می کنم عموم آقایان علاقمندند این عهدنامه مابین دولت ایران ودولت روسیه منعقد شود

رئیس الوزراء - بنده تصور نمی کنم هیچ گونه تزلزلی در عقد عهدنامه تجارتی بین ایران وروس حاصل شده باشد تصدیق می کنم که یك تأخیری پیش آمده است و این تأخیر را هم البته شایسته نمی‌دانم وممکن است همین تأخیر تولید یك سوء تفاهماتی بکند زیرا اولا طبقه تجار واهالی این مملکت که علاقه‌مند بسرعت عقد عهدنامه تجارتی هستند شاید حق داشته باشند این اعتراض را بنمایند که چه شده است در این مدت این کار خاتمه پیدا نکرده.

ثانیاً تأخیر انجام این امر ممکن است یك سوء تفاهماتی بین روابط دولتین که مخصوصاً دولت ایران همیشه از آن سوء تفاهمات احتراز داشته است تولید نماید زیرا دولت ایران اول دولتی بوده است که عهدنامه مودت بادولت روس منعقد و دوستی وصمیمیت خودرا اظهار داشته است و همینطور پس ازعقد عهد نامه مودت خواسته است اول دولتی باشد که عهد نامه تجارتی با دولت روس منعقد نماید پس تمام اینها نتیجه دوستی وصمیمیت بوده است ودولت ایران علاقه‌مند است که نه تنها این دوستی را حفظ کند بلکه سعی و کوشش نماید همیشه این دوستی در تزیید وتکمیل باشد بدین جهات دولت ایران علی الاصول ودولت حاضره خصوصاً معتقد است که در روابط دوستانهٔ خود با دولت روس طوری رفتار کرده باشد که تحسین روابط باشد ولی باید تصدیق کرد که یك اشکالاتی در پیش است که غالبا باعث تأخیر این امر شده است مثل اینکه بعضی اوقات مکرر اتفاق افتاده است تلگرافاتی که از مسکو به تهران مخابره شده خیلی دیر رسیده است اگرچه هیئت اعزامی که مأمور مسکو شده‌اند بریاست شخص بسیار لایق و کاردانی مشغول مذاکره بوده و اختیارات لازمه هم دارند ولی البته در بعضی مسائل مهمه ورؤس مسائل ناچار است یك مراجعاتی بدولت نموده ویك دستورات و تعلیماتی بگیرد در موقع این مراجعات مکرر اتفاق افتاده که تلگرافات دیر رسیده حتی بعضی اوقات سی الی چهل روز طول

کشیده است تا بطهران رسیده است همین مطالب اسباب تأخیر و تعویق کار شده وبعضی اوقات هم یك اختلافاتی بین قوانین دو مملکت پیدا شده که ممکن است تطبیق آن مراتب باعث تأخیر جریان امر بشود ولی نباید تصور کرد که هیئت ایرانی قصور ورزیده یا هیئت روسی مضایقه کرده باشند و غالباً همین اختلافات سبب تأخیر انجام کار شده است دیگر اینکه هیئت ایرانی درمقابل یك عهد نامه ویك اسنادی دیگری واقع هستند که بااتکاء و استناد بآن اسناد رسمی مجبورند داخل درمذاکره شوند ممکن است در تعبیر و تغییر مواده‌مان عهدنامه نیز یك اختلافاتی پیدا شود که هر یك از طرفین بموجب مسئولیت خود نقطه نظر خود را اظهار کنند ولی بطور کلی بین به آقایان نمایندگان اطمینان می‌دهم که همیشه نظر دولت این بوده است که مذاکرات را باسرع اوقات خاتمه داده و اختلافات را زودتر رفع کند مثل اینکه موقعی نظر بین دو دولت تولید شد وتصور میرفت که شاید مذاکرات برای چندوقتی منقطع شود ولی دولت دستوالعمل داد که حتی الامکان سعی نمایند ازقطع مذاکرات جلوگیری شود و در اینجا هم با سفارت روس مذاکره بعمل آمده ودستور داده شد که اگر اختلافاتی دربین هست وعهدنامه تجارت بطوری که منظور نظر است برای مدت زیادتری بسته نمی شود ممکن است برای مدت کمتری مثلا یکسال منعقد شود تا از قطع مذاکرات جلوگیری شود این موضوع هم نظر به بعضی دلائل میسر نشده وحالا مشغول مذاکره هستیم و از طرف دولت تعلیمات لازمه داده شده ومی‌شود که هرچه زودتر بمذاکرات خاتمه دهند ولی قبل از این سؤال خود بنده می‌خواستم از کمسیون خارجه تقاضا کنم یك جلسه ممتدی تشکیل بدهند تامذاکرات ومخابراتی که دراین مدت شده وجوابهائی که رسیده تماماً تحت نظر آقایان گذارده شود وبعضی مسائل که واقعاً باعث اشکال وتاخیر اخذ نتیجه شده است است با مشورت آقایان حل شود زیرا موضوع عهد نامه تجارت اهمیت زیادی دارد و احتراز از تاخیر این کار نیز لازم است بدین لحاظ بنده می‌خواستم از رأی صائب آقایان استفاده کرده واز کمسیون خارجه تقاضا کنم جلسه خود را همین فردا تشکیل واگر بخواهند اشخاص دیگری را نیز علاوه کنند که یك طریق حلی راجع برفع اختلافات اتخاذ و درتعقیب آن تاکیدات لازمه بهیئت ایرانی بشود که هرچه زودتر باین کار خاتمه داده شود ودر خاتمه عرض می کنم که روابط دولتین در کمال خوبی بوده وهست ودولت حاضره نهایت سعی دارد که این روابط را کاملتر مستحکم‌تر بنماید

نصرت الدوله - البته حالا که آقای رئیس الوزراء تقاضای تشکیل جلسه کمسیون هستم اگر نظریات واطلاعاتی داشته باشم درهمان کمسیون عرض خواهم کرد ولی همین‌قدر می‌خواهم به آقای رئیس الوزراء تذکر بدهم که صرف حسن اراده و میل اغلب کافی از برای انجام قضایا نیست

رئیس — آقای رئیس التجار هم سؤالی دارند.

رئیس التجار — اگرچه قبلا خاطر ایشان را مسبوق نکرده‌ام ولی سؤال بنده راجع بواردات وصادرات است که همیشه مطرح مذاکره بوده و مخصوصا دو مرتبه آقای حاج شیخ اسدالله در این موضوع بکمسیون فوائد عامه اعتراض کردند و گفتند کمسیون دراین باب اقداماتی نکرده وقصور ورزیده است حال آنکه کمسیون فوائد عامه در کابینه آقای مشیرالدوله و کابینه سابق خودایشان مکرر این موضوع را خاطر نشان کرده و مخصوصاً در این کابینه اخیر رئیس الوزراء به آقای عمیدالسلطنه مذاکره شد که سالی هشتاد کرور نود کرور اضافه واردات برصادرات ما است ودراین باب برای تقلیل واردات مکرر تجار واهالی مملکت عریضه داده‌اند و در کابینه سابق هم آقایان مشیرالدوله سردارمعظم و نصرت الدوله حاضر شدند و کمسیون خارجه وفوائد عامه باهم نشستند ومذاکراتی کردند ونتیجه همانطور عقیم ماند وبتأخیر افتاد بنده خواستم سؤال کنم که آقای رئیس الوزراء دراین باب نظریات عمیقی فرموده‌اند ودر باب تقلیل وارد بواسطه تکثیر حقوق گمرکی اشیاء لوکس و تجملی که مملکت لازم ندارد تصمیمی اتخاذ فرموده اند یا خیر؟

رئیس الوزراء — سؤال آقای رئیس التجار راجع وزیر فوائد عامه است ودر جلسه بعد جواب آن بعرض مجلس میرسد

رئیس — آقای نجات

(اجازه)

(حاضر نبودند)

رئیس — آقای تدین (اجازه)

تدین — درجلسه اسبق تقاضا کردم آقای وزیر پست وتلگراف تشریف بیاورند وجواب سؤال بندهٔ را بدهند اگرچه آمدند ولی درحین مذاکرات رفتند وتا آخر جلسه نماندند که بنده سؤال خودرا عرض کنم و حقیقة بنده از بسکه این موضوع را تعقیب کردم خسته شده‌ام ولی برای یك دفعه دیگر از مقام ریاست تقاضامی کنم بایشان اطلاع بدهند برای جلسه آتیه حاضر شوند وجواب سؤال بنده را بدهند والا مجبورم بوظایفی که نظامنامه معین کرده است رفتار کنم

رئیس — اطلاع داده می‌شود

(مجلس سه ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس **موتمن الملك**